

آشنایی با امام زمان علیه السلام

۱۲



بهار و باران

انتظار

واحد پژوهش انتشارات مسجد مقدس جمکران

﴿انتظار﴾

﴿بهار و باران!﴾

واحد تحقیقات مسجد مقدس جمکران



---

انتظار بهار و باران	■ نام کتاب:
واحد تحقیقات مسجد مقدّس جمکران	■ مؤلف:
انتشارات مسجد مقدّس جمکران	■ ناشر:
زمستان ۱۳۸۵	■ تاریخ نشر:
ششم	■ نوبت چاپ:
ظهر	■ چاپ:
۵۰۰۰ جلد	■ تیراژ:
۶۰۰ تومان	■ قیمت:
X - ۶۰ - ۶۷۰۵ - ۹۶۴	■ شابک:

---

انتشارات مسجد مقدّس جمکران	■ مرکز پخش:
فروشگاه بزرگ کتاب واقع در صحن مسجد مقدّس جمکران	
۷۲۵۲۷۰۰ - ۷۲۵۲۲۴۰ - ۲۵۱۰	■ تلفن و نمابر:
۶۱۷	■ قم - صندوق پستی:

«حق چاپ مخصوص ناشر است»

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## فهرست مطالب

- به عنوان پیشگفتار ..... ۷
- انتظار ... انتظار مهدی علیه السلام ..... ۱۷
- دین بر پایه انتظار ..... ۲۱
- چشم انتظار باران ..... ۲۷
- در انتظار روح نماز ..... ۳۳
- تلاشی هدفمند ..... ۳۷
- حماسه انتظار ..... ۳۹
- انتظار و شهادت ..... ۴۳
- بال پرواز ..... ۴۹
- انتظار بهار و باران ! ..... ۵۳
- در جستجوی فضیلتها ..... ۵۷
- درجات انتظار ..... ۶۵
- روزه داران واقعی چگونه اند؟ ..... ۶۵
- همنشینان امام زمان چگونه اند؟ ..... ۶۶
- جنگاوران رکاب مهدی علیه السلام چگونه اند؟ ..... ۶۷
- شاهدان شهید سپاه رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم ..... ۶۷
- چگونه اند؟ ..... ۶۷

- ویژگی‌های منتظرین ..... ۷۱
- شناخت امامت و امام ..... ۷۱
- پرهیزکاری ..... ۷۲
- اخلاق شایسته ..... ۷۵
- نیکوکاری ..... ۷۶
- فرمان‌پذیری ..... ۷۷
- قوت عقل و اندیشه و فزونی درک و دانش ..... ۷۸
- ولایت و برائت ..... ۸۱
- اخلاص ..... ۸۳
- «صبر و استقامت» ..... ۸۵
- تبلیغ و دعوت ..... ۸۸
- آمادگی و آماده‌سازی ..... ۹۰
- گمشدگان منتظر ..... ۹۳
- انتظار همیشگی ..... ۹۷
- گنج انتظار ..... ۱۰۰
- رو به روی یار ..... ۱۰۳
- انتظار و دعا ..... ۱۰۷
- منتظر و منتظر ..... ۱۱۱

به عنوان پیشگفتار:

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

### «یا صاحب الزمان ادرکننا»

مبحث انتظار، سابقه‌ای به قدمت تاریخ  
آفرینش انسان دارد.

از آن زمان که فرشتگان الهی به امر خدا در  
برابر حضرت آدم علیه السلام سر به سجده فرود  
آوردند،<sup>(۱)</sup> بحث انتظار قائم موعودی از سلاله  
پیامبر خاتم حضرت محمد بن عبد الله صلی الله علیه و آله و سلم مورد  
تأمل قرار گرفت.<sup>(۲)</sup>

از آن زمان که حضرت نوح علیه السلام پس از نهصد  
سال اقامت در میان قوم و فرا خواندن آنان به  
دین خدا، ناامید گشت و برای نابودی کافران دعا

۱- «وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ...» (سوره بقره، آیه ۳۴).

۲- «انما امرهم بالسجود لآدم لما أودع صلبه من أرواح حجج الله تعالى  
ذکره». (کمال الدین، ج ۱، ص ۱۳).

نمود،<sup>(۱)</sup> چشم انتظاری او آغاز گشت.

او اگر چه تا آمدن طوفان و نابود شدن کا

زمان خودش بیش از پنجاه سال انت

نکشید،<sup>(۲)</sup> اما انتظار چند هزار ساله او، بر

غلبه کامل دین خدا و ریشه کن گشتن همگان

کافران تا زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام، ادا

خواهد یافت.

از آن زمان که حضرت ابراهیم علیه السلام پایه ها

کعبه را بالا برد و دعا کرد تا خداوند سر زمین

مکه را جایگاه امنیت و ایمان قرار دهد،<sup>(۳)</sup> انتظار

روزی در دلش جا گرفته بود که فرزندی از نسل او

و از سلاله آخرین پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم در همین دیار

و در کنار همین خانه، تکیه بر همین پایه ها

خواهد داد و ندای توحید را به گوش همه

جهانیان باز خواهد خواند.<sup>(۴)</sup>

۱ - «رَبِّ لَا تَذَرْنَا عَلَى الْأَرْضِ مِنَ الْكَافِرِينَ دِيَارًا».

(سورة نوح، آیه ۲۶).

۲ - کمال الدین، ج ۱، ص ۱۳۴.

۳ - سورة بقره، آیه ۱۲۶.

۴ - «وَالْقَائِمُ علیه السلام يَوْمَئِذٍ بِمَكَّةَ قَدْ أَسْنَدَ ظَهْرَهُ إِلَى الْبَيْتِ الْحَرَامِ



از آن زمان که حضرت لوط علیه السلام در برابر فاسدان هوس پرستی که عزّت و احترام میهمانان عرشی و خاندان با ارزش او را مورد تهدید قرار داده بودند، آرزوی داشتن قوّت و تکیه گاهی استوار کرد، اندیشه انتظار قائم در روح و جاننش جاری بود.

لوط گفت:

«کاش برای مقابله با شما قدرتی داشتم»

یا به تکیه گاهی استوار پناه می جستیم» (۱)

امام صادق علیه السلام فرمود:

«حضرت لوط این سخن را نگفت مگر به

عنوان تمنای دسترسی به قدرت قائم

ماعت علیه السلام، و آن تکیه گاه استوار چیزی نبود جز

استواری و توانایی یاران او زیرا هر یک از

آنان دارای قدرت چهل مرد و قلبش قوی تر

از قطعه های فولاد است. آنان اگر بر کوه های

→ مستجیراً به فینادی ... و من حاجنی فی ابراهیم فانا اولی الناس

بایبراهیم علیه السلام و ...» (کمال الدین، ج ۱، ص ۵۴ و ۵۵).

۱ - «قَالَ لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةٌ أَرْسِلُ إِلَىٰ رُكُنِ شَدِيدٍ»

(سورة هود، آیه ۸۰).

آهنین گذرند، آن را از بیخ و بن بر  
 وشمشیرهایشان در غلاف نیارآمد.  
 این که خدای تعالی راضی شود.»<sup>(۱)</sup>

از آن زمان که حضرت موسی علیه السلام مردم  
 مبارزه با فرعون فرا خواند و آنان را به یا  
 طلبیدن از خدا و شکیبایی تشویق کرد،<sup>(۲)</sup> با  
 انتظار حضرت مهدی علیه السلام در جانش می درخشید  
 و در آرزوی حاکمیت مطلق او بود که بشارت  
 داد:

همانا زمین از آن خداست و آن را به  
 یک از بندگان که بخواهد به ارث خوا  
 رساند، و فرجام نیکو برای تقوی پیشگان  
 است.»<sup>(۳)</sup>

۱ - کمال الدین، ج ۲، ص ۶۷۳، و نیز المعجزة فیما نزل فی قائم  
 الحجّة، ص ۱۰۶.

۲ - «قال موسى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللّهِ وَاصْبِرُوا»  
 (سورة اعراف، آیه ۱۲۸).

۳ - «انّ الارض لله یورثها من یشاء من عباده و العاقبة للمتقين»  
 (سورة اعراف، آیه ۱۲۸).

در تفسیر و تأویل این آیه به قیام جهانی حضرت مهدی علیه السلام  
 روایاتی در کافی و کتب تفاسیر وارد شده است، به المعجزة فیما  
 نزل فی قائم الحجّة، ص ۷۳ مراجعه شود.

از آن زمان که حضرت عیسیٰ علیه السلام با دلی سرشار از مهربانی و با جانی سوخته از عشق، مردم را به همدلی و همداستانی دعوت کرد و آیه‌های محبت را در گوش جان آنان زمزمه کرد، تذکر به انتظار را جزو آیین خویش قرار داد<sup>(۱)</sup> و زمانی که در برابر ناسپاسی و عدوات و ایمان ستیزی مردمی که به کشتن او برخاسته بودند به جوار قدس آسمانیان بالا رفت، انتظار تاریخی خود را برای فرود آمدن در کنار کعبه و نمازگزاردن به امامت مهدی علیه السلام و یاری کردن او را آغاز کرد.<sup>(۲)</sup>

۱- از کسانی که گفته‌اند ما مسیحی هستیم پیمان گرفتیم، اما آنان بخشی از تذکرات دین خود را از یاد بردند.  
(سوره مائده، آیه ۱۴).

«امام صادق علیه السلام فرمود: بزودی آن بخش فراموش شده را به یاد می‌آورند و گروهی از آنان با حضرت قائم علیه السلام قیام خواهند کرد.»

(المحجة فیما نزل فی قائم الحجّة، ص ۶۳، به نقل از کافی، ج ۵، ص ۳۵۲).

۲- «یا عیسیٰ ارفعک الی ثم امبطک فی آخر الزمان... لتصلی معهم»  
(کمال الدین، ج ۱، ص ۱۶۰ و ۱۶۳).

پس از آن نیز، از زمان پیامبر ﷺ تا آخرین لحظات عمر امام حسن عسکری علیه السلام هرگز امر انتظار فرج، مورد غفلت واقع نگشت و جلوه‌های گوناگون انتظار در ضمن صدها روایت از پیامبر اکرم ﷺ و دهها روایت از امیرالمؤمنین علیه السلام و هر یک از امامان معصوم علیهم السلام، تجلی یافت و در همه قرون گذشته نیز همین نور انتظار بوده که سینه به سینه از نسلی تا نسل دیگر، همواره آفاق جان و دل منتظران را در طی همه بحرانشا و فتنه‌ها روشن داشته است.

و اینک دوران ما، به عنوان حساس‌ترین بخش از دوران غیبت آخرین حجّت الهی، حضرت مهدی علیه السلام، تابناک‌ترین عصر انتظار به شمار می‌رود.

پر شکوه‌ترین و بی‌مانندترین قیام مردمی شیعه، به رهبری سرخیل شیفتگان و منتظران حضرت مهدی علیه السلام و با فداکاری و جانبازی و خون‌نشانی میلیون‌ها انسان پاک‌باخته راه انتظار، در این دوران به ثمر نشسته، تا در قالب جهموری اسلامی ایران، اسوه و الگویی برای همه جهانیان

شد و دنیا را به سمت انتظار حکومت جهانی  
مام زمان علیه السلام سوق دهد.

در آن روزگاران که در این مملکت؛

هر نوع آزادی تبلیغ می شد جز «آزادی  
اندیشه دینی»!

هر نوع سخنی آزاد بود جز سخن از «رهبری  
مذهبی»!

هر کالایی خریدار داشت جز «قرآن»!

هر حرکتی مجاز بود جز حرکت در راه «اسلام  
ناب»!

در آن روزگار که «اسلام» را تسلیم در برابر  
سلطه حاکم!

«قرآن» را کتابی متبرک برای عروسی ها و  
عزاها!

«ولایت» را اقامه مراسمی سرگرم کننده در  
ولادت ها و شهادت های ائمه علیهم السلام!

و «انتظار» را سکوتی ذلیلانه و نشستی عافیت  
طلبانه! می خواستند، امام را حل برخاست و  
مردم را با انگیزه «چشم انتظاری خورشید» به  
سمت روشنایی ها هدایت کرد و مردم شیعه

چشم انتظار که اینک «اسلام» را به عنوان  
«برنامه زندگی»،

«قرآن» را به عنوان «کتاب قانون»،

«ولایت» را به عنوان «رهبری مبتنی بر وحی»،

و «انتظار» را به عنوان «حرکتی پرشور و پر

امید» به سمت هدف‌های آسمانی پذیرفته بودند

تحت رهبری‌های امام، یا ایمان به پیروزی قطعی

و تاجر جام نماندن قیام، علیه طاغوت و استکبار

شوریدند و با پیروزی شکوهمند انقلاب

اسلامی، راه پرافتخار استقلال و رهایی و عزت را

به سایر ملت‌های حرمان کشیده و در بند دنیا

نشان دادند.

اینک نیز در پایان دومین دهه این انقلاب همه

جانبه، «همان امت» به رهبری فرزند برومند

«همان امام» (قدس الله نفسه) برای آشنا تر کردن

سرگشتگان دنیای مادیت با انتظار حقیقی و فتح

آفاق تازه‌تری از آرمان‌های موعود، با ایمانی

راسخ و با عزمی استوار، همچنان نستوهانه

و بی تردید در راهند.

واحد تحقیقات مسجد مقدّس جمکران، در ستانه سالگرد میلاد منجی عالم بشریت حضرت مهدی علیه السلام، حاصل تلاشی مختصر در مینه بازشناسی انتظار را خدمت همه شیفتگان منتظران امام زمان علیه السلام تقدیم می دارد.

به این امید است که این خدمت ناچیز، در آستان مقدّس آن امام بزرگوار مورد قبول و عنایت قرار گیرد و به دعای حضرتش، خداوند چشمان منتظران را به دین جمال نوار نیش فروغ و روشنی بخشد.

«یا ایّها العزیز مسّنا و اهلنا الضّرّ و جئنا بیضاعة  
مزجاة فأوف لنا الکیل و تصدّق علینا إنّ الله یجزی  
المتصدّقین»<sup>(۱)</sup>

والسلام

واحد تحقیقات

مسجد مقدّس جمکران - قم

۱۵ شعبان ۱۴۱۸

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

### ﴿ انتظار ... انتظار مهدی علیه السلام ﴾

**نتظار:** دیده به راه دوختن است،  
لحظه شماری کردن برای دیدار کسی یا انجام  
اقعه‌ای است،

به امید کسی یا چیزی ماندن است،  
چشم داشتن و توقع کاری یا حادثه‌ای است،  
نگران شخص عزیز یا امر مهمی بودن  
است.

**انتظار:** امیدواری، چشم به راهی، آمادگی،  
نگرانی، چشم داشت و درنگ است. (۱)  
**اما انتظار مهدی علیه السلام:** همه این‌ها و فراتر از  
این‌هاست.

**انتظار مهدی علیه السلام:** ایمان به «غیب» اقرار به

---

۱ - با مراجعه به کتابهای معتبر لغت، همچون: لسان العرب،

مجمع البحرین، مفردات راغب المنجد، دهخدا، معین و ...



«ولایت» و بارو داشت حق حاکمیت «قرآن» است.

عصارة «یقین»، چکیده «تقوی» و خلاصه «عمل صالح» است.

عشق به «زیبایی‌ها»، التزام به «خوبی‌ها» و شوق به «کمالات» است.

«تلاش» برای «یافتن»، «مقاومت» برای «رسیدن» و «جهاد» برای «ساختن» است.

انتظار مهدی علیه السلام: روایت «اشتیاق»، حدیث «جست و جو و قصه وصل» است.

انتظار مهدی علیه السلام: اقتدای به او، بیعت با او، و سرسپاری به فرمان اوست. رمز پایداری، سر استقامت و راز جانبازی در راه اوست.

انتظار مهدی علیه السلام: «عامل رشد»، «پشتوانه مقاومت» و «ضامن پیروزی» پیروان امامت است.

انتظار مهدی علیه السلام: سنگربانی «عقیده»، مرزبانی «اندیشه» و مبارزه در راه پاسداری از «فرهنگ اسلام و ولایت» است.

انتظار مهدی علیه السلام: انتظار روز ظهور اوست  
 انتظار روز ظهور او، انتظار غلبه اسلام و قرآن  
 و انتظار غلبه اسلام و قرآن، انتظار تحقق  
 ههای خداوند است.



## ﴿ دین بر پایه انتظار ﴾

انتظار امام زمان علیه السلام از چنان عظمتی بر خوردار است که در برخی روایات، نه در ردیف فروع دین بلکه در شمار اصول و قواعد اساسی دین قرار گرفته است.

انتظار در کنار شهادت به توحید (شهادة أن لا اله إلا الله) و ایمان به پیامبر (و أن محمداً عبده و رسوله) و اعتراف به قرآن (تقرّبما جاء من عند الله) و اقرار به ولایت (والولاية لنا اهل البيت) چه مفهومی جز اصل اساسی بودن آن دارد؟

دین اسلام بدون «انتظار قائم علیه السلام» ناقص می ماند، چنانکه اگر «ولایت علی علیه السلام» نمی بود ناقص مانده بود. پس همچنانکه اعلام ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام باعث تکمیل دین و اتمام

نعمت الهی و رضایت خدا نسبت به اسلام بود،  
انتظار مهدی علیه السلام نیز موجب کمال دین و تمام  
نعمت و رضای خداوند است.

خداوند «دین بی ولایت» را نمی پذیرد  
چنانکه «ولایت بی انتظار» را نمی پذیرد و این  
خود به این معناست که خداوند «دین بی انتظار»  
را نمی پذیرد و همین است که امام صادق علیه السلام  
همه آن اصول را تحت این عنوان می فرماید که:  
«ألا أخبركم بما لا يقبل الله

عز وجل من العباد عملاً إلا به» (۱)

«آیا شما را خبر ندهم از آنچه که خداوند

بدون آن هیچ عملی را از بندگانش

نمی پذیرد؟»

و امام باقر علیه السلام از مضمونی شبیه به آنچه ذکر

شد عنوانی روشن تر و رساتر ذکر می فرماید:

«الدين الذي يقبل الله فيه العمل»

«دینی که خداوند بر اساس آن عمل

بندگانش را می پذیرد» (۲)

۱ - بحار، ج ۵۲، ص ۱۴۰ بنقل از غیبت نعمانی.

۲ - امالی طوسی، ج ۱، ص ۱۸۲ و نیز بحار، ج ۶۶، ص ۳.

در این حدیث شریف که در غیبت نعمانی و امالی شیخ طوسی و اصول کافی با مختصر اختلافی نقل شده و با وجوه مختلفه آن در کتاب ارزشمند بحار الأنوار نیز آمده است، اصولی دیگر چون براءت از دشمنان اهل بیت و تسلیم بودن در برابر فرمان امامان علیهم السلام و پرهیزگاری و سخت‌کوشی در راه دین و ثبات و طمأنینه نیز ذکر شده است.

و از مجموع آن نکاتی چند در خور تأمل است:

۱ - انتظار یکی از پایه‌های اساسی دین مورد قبول خداوند را تشکیل می‌دهد.

۲ - قرار گرفتن انتظار حضرت مهدی علیه السلام در کنار شهادت به توحید و نبوت و ولایت، حاکی از شدت اهمیت و اعتبار آن در نزد خداوند است.

۳ - خداوند بر اساس مجموعه اصول مذکور است که اعمال بندگانش را می‌پذیرد، بنابراین اگر نقصی از ناحیه هر یک از اصول پیش آید

مقتضی برای قبولی اعمال حاصل نخوا  
گشت، و بر اساس همین نکته است که می توان  
گفت: «هیچ عملی را از بنده غیر  
نمی پذیرند.»

۴ - آمدن دو اصل پرهیزکاری و سخت کوشی  
(ورع و اجتهاد) همردیف با انتظار قائم علیه السلام علاوه  
بر تصریح به جدایی ناپذیر بودن «انتظار و ورع» و  
نیز «انتظار و اجتهاد»، به کامل نبودن دین بدون  
آندو نیز، دلالت دارد؛ همچنانکه به عدم قبول  
انتظار بدون آندو اشاره دارد.

۵ - در پایان حدیث این عبارت آمده است:

«إِنَّ لَنَا دَوْلَةً يَجِيئُ اللَّهُ بِهَا إِذَا شَاءَ.»

«ما را دولتی هست که هر زمان خدا بخواهد

آن را پدیدار خواهد ساخت.» (۱)

این عبارت را می توان «حکمت انتظار»  
دانست، یعنی از آنرو که دولت پایدار و جهانی  
اهلبیت علیهم السلام روزی به دست امام زمان علیه السلام و به

اده خدا عملی خواهد گشت و در آن همه  
 اف پیامبران علیهم السلام تعالیم قرآن و اهل بیت تحقق  
 اهد، یافت شایسته است که مسلمانان موحد  
 انتظار آن باشد و این انتظار از اصول  
 ساسی دینش به شمار آید.



## ﴿ چشم انتظار باران ﴾

امیرالمؤمنین علیه السلام در خطبه‌های متعددی  
از انحرافات و نابسامانی‌های پیش از ظهور  
پیامبر به میان می‌آورد و اوضاع اجتماعی دوران  
جاهلیت را به بیان‌های مختلفی متذکر می‌شود.  
از آن جمله می‌فرماید:

«خداوند یکتا بنده و پیامبر خویش

حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم را هنگامی فرستاد که

نشانه‌های هدایت به کهنگی گرائیده و

جاده‌های دین محو و نابود شده بود. او حق

را آشکار ساخت و مردم را نصیحت نمود و

آنها را به سوی کمال هدایت کرد و به

میانه‌روی و عدالت فرمان داد» (۱)

---

۱ - نهج البلاغه، صبحی صالح، خطبة ۱۹۵.



«خداوند در زمانی پیامبر ﷺ را

مبعوث ساخت که نه نشانه‌ای از دین برپا، و

نه چراغ هدایتی روشن، و نه طریق حقی

آشکار بود!» (۱)

«هنگامی او را به رسالت برگزید که با

زمان پیامبران پیشین فاصله زیادی ایجاد

شده بود، جهانیان از انجام عمل نیک دوری

گزیده و منحرف گشته، و ملتها به جهالت و

گمراهی گراییده بودند.» (۲)

«وی را در آن هنگام که ملتهای جهان

به خواب طولانی فرو رفته بودند و تار و پود

حقایق از هم گسسته بود، برای هدایت

انسانها فرستاد.» (۳)

«آن زمان که فتنه و فساد جهان را

فراگرفته بود. کارهای خلاف در میان مردم

منتشر، و آتش جنگ زبانه می‌کشید، دنیا

۱ - مدرک پیشین، خطبه ۱۹۶.

۲ - مدرک پیشین، خطبه ۹۴.

۳ - مدرک پیشین، خطبه ۱۵۸.

بی نور و پراز مکر و فریب گشته بود. برگهای  
 درخت زندگی به زردی گراییده، از ثمره  
 زندگی خبری نبود، آب حیات انسانی به  
 اعماق زمین فرو رفته، منارهای هدایت  
 مندرس گشته و پرچمهای هلاکت و بدبختی  
 آشکار شده بود، دنیا با چهره‌های زشت به  
 اهلش می‌نگریست و در برابر جویندگانش  
 عبوس و گرفته جلوه می‌کرد. میوه درخت  
 آن، فتنه و طعامش مردار بود. در درون،  
 وحشت و اضطراب و در برون، شمشیر  
 حکومت می‌کرد.»<sup>(۱)</sup>

«ناگهان طلوع کننده‌ای طالع گشت،  
 درخشنده‌ای درخشید، آشکار شونده‌ای  
 آشکار گردید. آنچه از جاده حق منحرف  
 گشته بود به راه راست بازگشت، خداوند  
 گروهی را به گروهی دیگر تبدیل کرد و  
 روزگاری را به روزگاری دیگر دگرگون ساخت.

و ما همانند کسانی که در خشکسالی، چشم

انتظار بارانند، در انتظار این دگرگونیها

بودیم.» (۱)

به راستی در آن «شب سیاه ستم»، در آن

«ظلمت دامن‌گستر جهل»، در آن «ضلالت

مطلق» چه چیزی جز «امید طلوع سپیده»

می‌تواند حق باوران را به استقامت وا دارد؟

چه چیزی جز «انتظار درخشش خورشید»

می‌تواند ریشه ایمان را در دلها زنده نگهدارد؟

به راستی در آن «پاییز زندگی»، چه چیزی جز

چشم به راه بهار ماندن، می‌تواند شوق جوانه

زدن، اشتیاق رویدن، و آرزوی ثمر دادن را، در

دل بذر نهفته در خاک، زنده بدارد؟

چه زیباست تعبیر خیال انگیز و حکمت آمیز

چشم انتظار باران بودن، در خشکسال! خصوصاً

برای کسانی که در آخرالزمان زندگی می‌کنند!

زیرا این دوران را به دوران جاهلیت تشبیه

کرده‌اند، چنانکه ظهور صاحب‌الزمان علیه‌السلام را با بعثت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم همانند دانسته‌اند.

پس اگر خشکسالی تکرار شود چه چاره‌ای هست جز به چشم انتظار باران بودن؟! در «خشکسالی» عاطفه‌ها، در «قحطی» محبت و مهربانی، در «تنگدستی» آسمان ایمان و «بی‌نوایی» زمین عمل، در «عطش» دشت‌های احساس و «بی‌آبی» چاههای وجدان، در «سوزش» کامهای تشنه عدل و انصاف، و در «تفتیدگی» جگرهای سوخته به آتش ظلم و گناه، چه باید کرد، جز «انتظار باران» کشیدن؟!

خوشا روزی که ناگهان طلوع کننده‌ای طالع گردد، درخشنده‌ای بدرخشد، آشکار شونده‌ای آشکار شود و آنچه از جاده حق منحرف گشته به راه راست بازگردد.

خداوند گروهی را به گروهی دیگر تبدیل کند و روزگاری را به روزگاری دیگر دگرگون سازد و ما همانند کسانی که در خشکسالی، چشم انتظار بارانند، در انتظار این دگرگونی‌ها بوده باشیم.

راستی آیا می شود وقتی قحطسالی به پا  
می رسد و بارش باران رحمت پروردگار آ  
می شود ما از گروه منتظران باشیم؟!  
آیا می شود وقتی حضرت مهدی علیه السلام می آ  
با جانی سوخته از اشتیاق، منتظرانه به استقبای  
برویم؟! \*



## ﴿ در انتظار روح نماز ﴾

در روایتی از امیرالمؤمنین علیه السلام آمده است:

«کسی که در انتظار اقامه نماز به سر برد

در طی زمان انتظارش، در حال نماز

محسوب می شود» (۱)

و به همین مقدار اکتفا نمود بلکه در جای

دیگر فرمود:

«کسی که منتظر وقت نماز بماند بعد از

ادای نمازش در زمره زیارت کنندگان خدای

عزوجل به شمار می آید» (۲)

اقامه نماز اگر چه ستون دین است، اما همه

دین نیست. نماز با همه اهمیتی که دارد تنها

---

۱ - بحار الأنوار، ج ۷، ص ۲۵۵ به نقل از تفسیر مجمع البیان.

۲ - بحار الأنوار، ج ۱۰، باب ۷، ص ۱۲۳، به نقل از حصال

بخشی از تعالیم انسان‌ساز اسلام و تنها یکی از راه‌های اصلی، قرب به خداوند است. نماز در کنار روزه و حج و جهاد و خمس و زکات و سایر احکام نورانی قرآن، تنها یکی از فروع دین به شمار می‌رود و اهمیتش هرگز بالاتر از اصول دین نیست.

حال اگر قرار باشد به فرمودهٔ مولای متقیان، که کلامش برگرفته از کلام پیامبر ﷺ و ریشه‌دار در سخن خدای عزوجل است، ارزش انتظار یک مؤمن برای برگزار شدن نماز جماعت و یا حتی رسیدن وقت، برای ادای نماز خودش در حدی باشد که نفس زدنیهایش را قرائت و ذکر نماز، و نشستنش را قیام و رکوع و سجود نماز بشمارند و او را در حال انجام نماز محسوب دارند، باید دید منتظران قیام دین مجسّد و عدالت موعود، حضرت مهدی علیه السلام را در چه مقام و منزلتی می‌بینند؟

باید دید آنها که منتظر اقامهٔ تمامیت دین و پیاده شدن همهٔ تعالیم حیاتبخش اسلام هستند

در نزد خدا و امینان او چه جایگاهی دارند؟  
 راستی اگر قرار باشد کسی که در انتظار داخل  
 شدن وقت نماز بسر برده و شوق «ایستادن در  
 برابر معبود» او را چشم به راه «اذان» قرار داده  
 است بعد از نماز در شمار دیدار کنندگان خدا  
 (زوّار الله) قرار گیرد، کسی که در انتظار فرار  
 رسیدن وقت «ظهور روح نماز و عبادت» بسر  
 برده است، کسی که اشتیاق «سر نهادن همه  
 جهانیان به اطاعت معبود» او را چشم به راه قیام  
 مهدی علیه السلام قرار داده است، در شمار چه طائفه‌ای  
 از مقرّبین خداوند است؟!!

بیهوده نیست که جایگاه منتظر را جایگاه  
 شهید بخون غلطیده در پیش روی رسول  
 خدا صلی الله علیه و آله و سلم دانسته‌اند. چه مقامی از این بالاتر  
 می‌توان تصور کرد؟ شهید که شهادتش دری به  
 سوی بهشت است بی هیچ وصف دیگری، از  
 خاصّان اولیاء است. او با شهادت خود به مقامی  
 دست می‌یابد که «لیس فوقه برّ» بالاتر از آن  
 فضیلتی نیست.



اما تنها این مقام در خور منتظر نیست، مقام  
مقام شهیدی است که زیر پرچم پیامبر و در  
رکاب پیامبر جنگیده و در برابر پیامبر و  
آخرین مرحله ایمان و جانبازی و ایثارش را  
نمایش گذاشته و در پیشگاه او به خاک و خون  
طپیده است.

زیباتر اینکه منتظر نماز می نشیند و چشم  
انتظار وقت نماز یا برپایی نماز جماعت می ماند،  
اما منتظر قیام حضرت مهدی علیه السلام که نماز مجسم  
حج و جهاد مجسم، بلکه قرآن مجسم و دین  
مجسم است، در انتظار اقامه نماز و حج و جهاد  
و ... و در انتظار احیای قرآن و دین بر می خیزد،  
می کوشد و می خروشد.

و چقدر فاصله است بین اجر نشستگان و  
برخاستگان!

چقدر دور است فاصله بین مقام منتظران  
قاعد و قائم!



## ﴿ تلاشی هدفمند ﴾

«احب الاعمال الى الله عزوجل انتظار

ن.ج.» (۱)

«رسول خدا ﷺ و امیر المؤمنین علیؑ»

گرچه به ظاهر در ترجمه این حدیث شریف،  
فی بین دو تعبیر، «الی الله» و «عند الله» نیست،  
در هر دو صورت می توان آن را «در نزد  
...» معنا کرد؛ لکن بعید نیست واژه اول - الی -  
در اصل به معنای «سوی و جهت و طرف»  
استعمال می شود، در اینجا نیز حاکی از عنایتی  
خاص باشد که با حکمت و دقتی که در فرمایش  
معصومین علیهم السلام نهفته است، می تواند نشاندهنده  
حرکتی با سمت و سویی الهی باشد.

به عبارت دیگر وقتی پیامبر خدا ﷺ که  
 لسان صدق خداوندی است و امیرالمؤمنین علیؑ  
 که امیر بیان است به جای «احب الاعمال  
 عندالله» عبارت «احب الاعمال الی الله» را در  
 مورد انتظار به کار می‌گیرند، گویا به حرکت  
 آفرینی انتظار نظر دارند، گویا بر آن هستند که  
 انتظار را به عنوان عامل پویایی و رشد «الی الله»  
 و پشتوانه حرکت به سوی خدا معرفی نمایند.

پس «انتظار فرج» کار است، حرکت است،  
 تلاشی هدفمند است و با بی‌هدفی و سکون و  
 تن‌آسایی سازگاری ندارد.

دیگر اینکه در انتظار چون حرکت و عملی در  
 راستای اراده خداوند و در جهت عملی شدن  
 وعده‌های او صورت می‌گیرد، محبوب  
 خداست.

و دیگر اینکه چون انتظار در تحقق احکام  
 الهی و آرمانهای توحیدی نقشی تعیین‌کننده‌تر از  
 سایر اعمال دارد، بیشتر از آنها مورد محبت  
 خداست.



## ﴿ حماسه انتظار ﴾

پیامبر ﷺ فرمود:

«افضل اعمال امتى انتظار الفرج.»<sup>(۱)</sup>

برترین کارهای امت من انتظار فرج است.

و فرمود:

«انتظار الفرج عبادة.»<sup>(۲)</sup>

انتظار فرج عبادت است.

و فرمود:

«افضل العبادة انتظار الفرج.»<sup>(۳)</sup>

والاثرین عبادت، انتظار فرج است.

---

۱ - الزام الناصب، ص ۱۳۷ و بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۲۲.

۲ - مدرک پیشین.

۳ - نهج الفصاحة، ص ۷۸، ينابيع المودة، ج ۳، ص ۱۶۹.

و فرمود:

«افضل جهاد امتی انتظار الفرج.»<sup>(۱)</sup>

بالاترین جهاد امت من، انتظار فرج است.

در میان همه خلائق، امتی والاتر از ائمه

حضرت محمد ﷺ نمی‌توان یافت، و

چنین است اعمال امت پیامبر والاتر از ائمه

همه امت‌هاست.

در میان چنین اعمال والایی از ائمه

پیامبر ﷺ والاتر از «انتظار فرج» نمی‌توان

یافت، چون «انتظار فرج» انتظار «قدرت اسلام

توحید» است. انتظار «حاکمیت وحی و ولایت

است، انتظار اجرای حدود الهی و احکام قرآن

است.

از دیگر سو، «انتظار فرج» عمل است، کار

تلاش و تکاپو است و چه عملی از مقدمه‌ساز

برای قدرتمند گشتن اسلام و توحید و

حاکمیت رسیدن وحی و ولایت و اجرا شد

۱ - تحف العقول، ص ۳۳، بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۵۶.

ود الهی و احکام قرآنی، مقدّس تر و  
 یده تر و با فضیلت تر است؟

در کلام نورانی پیامبر ﷺ به همین بسنده  
 شود که «انتظار فرج»، والاترین عمل از  
 الاترین امت به شمار رود. بلکه بالاترین درجه  
 ز با ارزش ترین عمل مؤمنین یعنی «عبادت» که  
 یش خالصانه اطاعت و بندگی خداست، به  
 ن اختصاص می یابد.

«انتظار فرج»، عبادت است زیرا جلوه ای زیبا  
 ز گردنگزاری به فرمان خدا و گردنفرازی در برابر  
 غوتان است و قصد قربت می طلبد. و بالاترین  
 دت است چون رنگ گرفته از ایمانی راستین  
 خدا و پیامبر و رستاخیز، و برخاسته از باوری  
 پویا به امامت و ولایت و حق حاکمیت قرآن، و  
 مستلزم ایثار و استقامت و فداکاری است.

و به این نیز اکتفا نمی شود بلکه «انتظار فرج»  
 نه تنها جهاد، بلکه بالاترین جهاد امت  
 پیامبر ﷺ محسوب می شود. جهاد که خود  
 شورانگیزترین و سرنوشت سازترین حرکت

عبادی مؤمنان است، درجاتی دارد و برترین این درجات در کلام نورانی امین وحی به «انتظار فرج» اختصاص یافته است.

راستی این چه شکوه شگرفی است که در «انتظار فرج» نهفته و آن چه حماسه و شور شعوری است که چنین منزلتی شگفت به «انتظار فرج» بخشیده است؟!



## ﴿ انتظار و شهادت ﴾

«المنتظر لأمرنا كالمتشخط بدمه

فی سبیل اللّٰه» (۱)

تشبیه در هر زبانی از یک نوع قاعده منطقی  
م پیروی می کند که تکیه بر استدلال و خرد  
آرد، و تابع ذوقیات محض و هنر مطلق نیست.  
تشبیه نوعی تصرف ذوقی است اما با  
نونمندی عقلی، نوعی کاربرد هنری است اما با  
شایه های خرد پذیر.

اگر اشک را به شبیم، و گونه های طفلی یتیم را  
به گلبرگ تشبیه می کنند، اولی از جهت زلالیت و  
طهارت و دیگری از باب لطافت و زیبایی است.  
اگر دلاوران را به کوه، و فریاد بلندشان را



به رعد همانند می‌کنند، اولی از نظر صلابت و پایمردی، و دیگری از حیث مهابت و خروشندگی است.

اینجا نیز اگر منتظران ظهور، به در خون طپیدگان راه خدا تشبیه شده‌اند، همه می‌پذیرند که باید نوعی یکسانی و همانندی بی‌نشان برقرار باشد. اما از چه جهتی؟

آیا می‌توان پذیرفت که در این روایت نورانی، تنها وجه تشبیه بین منتظر و سردار بخون طپیده راه خدا، در اجر و پاداش قیامت است؟

متأسفانه مقدمه بسیاری تحریفات در اسلام مقدّس، اکتفا به تحلیل‌های ساده‌اندیشانه عوام پرور و دریافت و القای مضامین خنثی و غیر مسئولیت‌آور از بخشی تعالیم حیاتی و انسانساز اسلام است.

امری که باعث شده است تا به عنوان مثال، یکی از ناب‌ترین تعالیم مبارزاتی اسلام یعنی «تقیّه» در چنبره سیاست دغل‌پیشه‌گان، تا حدّ گوشه‌نشینی و بی‌تفاوتی و تا مرز تسلیم

ذلیلانه در برابر نیروی مسلط باطل  
 ط کند. و یا توکل که یکی از عالی‌ترین  
 ه‌های عرفان انسانی مؤمن و مدیر و  
 ش است، به یکی از ابزارهای خمودی و  
 تن پروران مؤمن نما، تبدیل شود.

توجه به این مقدمه، اگر در این حدیث  
 سه‌ساز، تنها به اجر و ارزش منتظران اشاره  
 و نسبت به فهم انتظار سخنی به میان نیامده  
 ، در حقیقت راه تحریفی دیگر بر منحرفین  
 ده گشته است.

ر این صورت آنان که انتظار را دست روی  
 نهادن و در خانه نشستن و دیده به در  
 می‌شمارند و آنها که انتظار را تسلیم به  
 انحراف آلوده موجود و امیدوار بودن  
 ضعیف ایده‌آل در آینده می‌دانند، چه مانع  
 عی دارند که اجر شهید به خون طپیده راه  
 را، برای منتظرانی از این قبیل اثبات کنند؟  
 برآستی در این صورت بحث هماهنگی و  
 انی کلیه تعالیم اسلامی را چگونه می‌توان  
 کرد؟

اینکه کلیه احکام و فرامین اسلام مجموعه هماهنگ و نظام گرفته را تشکیل می دهد و در زمینه ای نوعی قانونمندی واحد بر آن حکم دارد، نشان می دهد که عظمت اجر و پاداش به تناسب میزان دشواری عمل و کثرت رنج راه خدا نیست. نمی شود قبول کرد کسی که همه تعلقاتش پشت کرده، از همه لذتها خوشی ها دست شسته و شب و روزش را مجاهدت و جانبازی به سر آورده، با آنکس هر جور خواسته زندگی کرده، و هر چه دمایل بوده خورده و پوشیده، و هر گونه توانسته به لذت بردن و کامرانی پرداخته، اجر برابر داشته باشد.

این است که باید پذیرفت که این فرمایش ارزش امام معصوم علیه السلام، بیش از آنکه در صد بیان عظمت اجر و پاداش منتظران در روز قیامت باشد، به کیفیت انتظار نظر دارد.

انتظار را نوعی مبارزه می شمارد سختی های راه پرنشیب و فراز انتظار خاطرشان می سازد.

منتظر را تلاشگری نستوه می‌داند که در برابر  
 انحرافی می‌ایستد و باللهام از شیوه و آیین  
 و مقتدای مورد انتظار خویش در راه اصلاح  
 و جامعه‌اش به جهاد و مقاومت می‌پردازد  
 و می‌کوشد تا شایستگی همانندی و  
 ایی با مجاهدان فی سبیل الله را بیابد و  
 قبت در این مسیر به چنان اوجی دست  
 زد که مثیل و نظیر شهیدان بخون خفته راه  
 اگرده. و این است مفهوم انتظار!



## ﴿ بال پرواز ﴾

سایه نشینان ابر «اهل زمین» اند. آنان که پای خاک دارند و فراتر از خاک را تجربه نکرده‌اند، نهایتند که تا ابر هست از دیدار خورشید و منند، تا ابر هست از تابش مستقیم آفتاب و منند. (۱)

اما آنها که بالی یا مجالی برای پرواز دارند، اگر پرواز کنند یا بر بال پرنده‌ای نشسته، دل از ک برکنده و چند صد متری فراتر از خاک را هده کنند، به آسانی خود را در معرض نگاه خورشید می‌بینند و گرمای آفتاب را

۱ - حضرت مهدی علیه السلام : «و اما وجه الانتفاع بس فی غیبتی

لا انتفاع بالشمس اذا غیبتها عن الابصار السعاب .»

(کمال الدین، ج ۲، ص ۴۵۸)

«کیفیت بهره‌وری از من در دوران غیبتم همچون بهره‌بردن از

خورشید است زمانی که ابرها آن را از دیدگان فرو پوشیده باشند.»

بررگ و پوست خویش لمس می نمایند.  
 بلکه اگر اهل پرواز و دل برکندن از خاک  
 نباشند، همینکه پای برای صعود داشته باشند  
 از گستره عادی زندگی زمینی فراتر روند، چه  
 هنوز به قله کوه نرسیده، ابرها را زیر پای خویش  
 ببینند و جمال دلا رای خورشید را، بر بالای  
 خود نظاره کنند.

منتظران حضرت مهدی علیه السلام، آن خورشید  
 همیشه فروزان منظومه هستی، چنین حالی  
 دارند. تا آن زمان که دلبستگان به خورد و خواب  
 و خانه و خلوت خویشند از دیدار محرومند، اگر  
 چه خود را از منتظران بدانند و برای رسیدن  
 روزی آفتابی، در پی بر طرف شدن ابرهای تیره  
 غیبت، لحظه شماری کنند.

اما آنگاه که پای در راه خویشتن سازی و  
 دیگر سازی می نهند و صخره های سخت  
 حوادث و ابتلاءات دوران غیبت را یکی پس از  
 دیگری در می نوردند، دیری نمی پاید که به  
 قله ای آفتاب گرفته دست می یابند و جلالت

دل خورشید عالم افروز زاده زهرا را به تماشا  
نشینند.

لکن خوشا به حال آنان که عرفان و سوز و  
هدت شان، بال پروازشان است و دنیای  
تیر و متاع قلیل، دل آسمانی شان را هرگز  
نمی کند. راستی آنان در آن اوج فراتر از  
ابری که فضای زندگی ما را پوشانده

چه می بینند؟!



## ﴿ انتظار بهار و باران ! ﴾

شناخت شخص مورد انتظار و آگاهی نسبت  
بزرگی‌ها و عملکردهای او، در کیفیت انتظار  
است. همین‌که منتظر بداند در انتظار  
و پس از به سر آمدن انتظار با چگونه  
نی‌روبرو خواهد شد و در چه اقداماتی با او  
اه خواهد بود، در نحوه آمادگی او و  
ده‌سازی محیط او تأثیرگذار است.

همین‌که منتظر بداند مولای منتظرش «بسنده  
تین خدا»<sup>(۱)</sup> و «خلیفه حقیقی او»

۱ - کلیه تعابیر و عنوانهای مذکور در این مقال، از دعاها و  
رات مربوط به حضرت مهدی علیه السلام، استخراج شده است.

مانند: اللهم أصلح عبدك و خلیفتك ... (دعای امام رضا علیه السلام)

اللهم رصل علی و لیک المصحی سنتک، القائم بأمرك، الداعی الیک، الدلیل  
حجتک علی خلقک و خلیفک فی أرضک و شاهدک علی عبادک ...



و «حجّت واقعی» اوست و جز او را نمی‌پرند  
 جز بر طبق اراده او حکم نمی‌کند و مردم را جز  
 سوی او فرا نمی‌خواند کافست تا مرام  
 سکوت منتظر را سمت و سوی خدایی  
 همینکه بداند او «شریک قرآن» و «احیاء  
 قرآن» است، کافی است تا هیچگاه قرآن  
 مهجور قرار ندهد و از انس با آیات و مضامین  
 شریفه آن بی‌نصیب نماند.

همینکه بداند او «حیاتبخش سنت‌ها  
 الهی» و «عامل بی‌چون و چرای  
 پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم» است، کافی است تا هر  
 سنت‌های خدا و پیامبر را به فراموشی نسپارد  
 سریره و سیرت خود را جز مبنای چنین سنت‌ها  
 سامان نبخشد.

همینکه بداند او «دروازه هدایت» و «راه  
 انحراف» و «نورخاموشی ناپذیر» و «راه‌نما  
 به سوی خدا» است، کافی است تا هرگز تن

→ (صلوات ابوالحسن ضراب اصفهانی).

و زیارت آل یس و دعای ندبه و دعای روز جمعه و ...

الت و ظلمت گمراهی ندهد و زیر پرچم  
 آن دروغین به راههای شیطانی کشیده نشود.  
 همینکه بداند او «حافظ اسرار الهی» و  
 «علوم پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم» و «ابراز کننده  
 «و «تجسم کتاب خدا» و «مظهر  
 ی فرو ریزنده پروردگار» است، کافی  
 تا در جهالت ننشیند و بردیده بصیرت  
 یش حجابی را نبندد.

همینکه بداند او «قیام کننده به عدالت» و «از  
 برنده ستم و تجاوز» و «درهم کوبنده کاخ  
 ت مستکبرین» است کافی است تا در مقابل  
 عدالتی ها بی تفاوت نماند و روحیه ستم  
 ی را همواره در خود زنده نگه دارد.

همینکه بداند او «سرپرست و دوستدار  
 منان» و «عزت دهنده اولیاء» و «احیاگر اهل  
 ین» و «ذخیره شده برای کرامت بخشیدن به  
 دوستان خدا» است، کافی است تا هرگز در حق  
 هیچ مؤمنی بی حرمتی روا ندارد، و به  
 حقوق شان تجاوز نکند و در دفاع از آنان کوتاهی  
 نوزد.

همینکه بداند او «پرچم هدایت» و «  
 نجات» و «خورشید شب شکن  
 روشنی بخش تاریکی‌ها» و «روشن ساز  
 حق و حقیقت‌ها»ست، کافی است تا  
 فتنه‌های پیاپی روزگار غیبت راه را گم نکند،  
 موج خیز حادثه جان نبازد، تسلیم شب نشو  
 در تاریکی نماند و باطل را به جای حق نپذیرد.  
 مگر می‌شود در انتظار «بهار امت» بود  
 تسلیم یأس پاییز شد؟!!

مگر می‌شود در انتظار «سرسبز  
 روزگاران» بود و در فصل برگ‌ریزان از  
 نشست؟!!

مگر می‌شود در انتظار «باران و رحمت  
 بی‌منتهای الهی» بود و از تشنگی جان داد؟!  
 مگر می‌شود در انتظار «چشمه زندگی»  
 بود و مرگ ذلت بار را پذیرفت؟!  
 هرگز....!



## ﴿ در جستجوی فضیلتها ﴾

آنان که در تاریخ براساس وحی یا الهام یا نگرشی اصلاح طلبانه دم از مدینه فاضله‌ای زده‌اند، شاید خود نیز به وضوح می‌دانسته‌اند که تحقق چنان مدینه‌ای حداقل در شرایط موجود جامعه و وضعیت حاکم بر توده‌های آن روزگاران اگر ناممکن نباشد، حداقل بسیار دور از دسترس است. با اینهمه از هیچ تلاشی در تبیین دیدگاه خود نسبت به چنین مطلوبی فروگذار نکرده و از هیچ وسیله‌ای در ایجاد شوق مردمان نسبت به آن غافل نبوده و از تحمّل هیچ رنجی در سوق دادن جامعه به سمت تحقق آن آرمانها شانه خالی نکرده‌اند. بلکه برعکس همه این رنج و تلاش را در برابر انگیزش و خیزش و حرکت مردم در این راستا - هر چند مختصر و نافرجام -

مقدس شمرده به جان خریده‌اند.

اینجاست که رهبران اسلامی از شخص پیامبر ﷺ تا هر یک از معصومین علیهم‌السلام به انگیزه بیدارسازی نیروی خداجویی و کمال طلبی انسان و واداشتن او به حرکت در راه خدا و ایجاد پویایی و تلاش در او، به خاطر آماده‌سازی زمینه‌های مساعد جهت اجرای اراده خدا در همه هستی، همواره از دورانی سخن گفته‌اند که نقطه اوج این بیداری و سرفرازی است، و آخرین مرحله کمال انسان مؤمن به خدا، و آخرین فصل کتاب خلیفه الهی در روی زمین، و آخرین برگ از صحیفه تقدیر خداوندی در رشد خداگونگی انسان است.

و بدینگونه است که سخن گفتن از پیامدهای ظهور حضرت مهدی علیها السلام و دستاوردهای قیام جهانی او، به نوعی سخن از انتظار گفتن و بیان حال منتظران نمودن است.

اگر فرموده‌اند:

«در دوران پس از ظهور در هیچ جای زمین غیر

خدا پرستش نمی‌شود، بندگی خدا عالمگیر می‌گردد و تمام دین و مرامنامه زندگی عالمیان از آن خدا خواهد بود.»<sup>(۱)</sup>

و اگر فرموده‌اند:

«خدا به وسیله امام زمان علیه السلام تمام زمین را از هر ستمی تطهیر خواهد کرد و آن را از هرگونه بی‌عدالتی منزّه خواهد ساخت و او در میان مردم میزان عدالت برپا می‌دارد و در پناه حکومت او هیچ کس به دیگری ظلم نمی‌کند.»<sup>(۲)</sup>

و اگر فرموده‌اند:

«خدا به دست حضرت مهدی علیه السلام، هر گردن فراز معاندی را به خاک مذلت می‌نشانند و هر شیطان مستکبری را به هلاکت می‌رسانند.»<sup>(۳)</sup>

و اگر فرموده‌اند:

«در زمان حضرت مهدی علیه السلام، همگی شما به زیور حکمت و دانش آراسته می‌شوید، تا جایی که

۱- امام صادق علیه السلام کفایة الاثر، ص ۲۴۰.

۲- امام رضا علیه السلام کفایة الاثر، ص ۲۲۰.

۳- امام کاظم علیه السلام کفایة الاثر، ص ۲۳۹.

هرزنی در خانه خویش بر طبق کتاب خدای تعالی

و سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم حکم می‌کند» (۱)

و اگر فرموده‌اند:

«آنگاه که قائم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم قیام کند،

دوستی و صمیمیت در بین مردم ایجاد می‌شود.

به حدی که هر دوستی مبلغ مورد نیاز خود را از

کسیه دوستش بر می‌دارد و او ممانعت

نمی‌کند» (۲)

و اگر فرموده‌اند:

«قائم ما که قیام نماید، آسمان با نزول بارانش و

زمین با رویاندن گیاهانش، زمین را غرق نعمت

خواهند ساخت و کینه و بدخواهی از دل‌های

بندگان خدا رخت بر خواهد بست» (۳)

و اگر فرموده‌اند:

«در دوران حکومت مهدی علیه السلام، بندگان خدا

۱ - امام باقر علیه السلام بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۵۲.

۲ - امام باقر علیه السلام اختصاص، ص ۲۴.

۳ - امیر المؤمنین امام علی علیه السلام، بحار الأنوار، ج ۱۰،

در روی زمین به معصیت و نافرمانی او

نمی پردازند» (۱)

و اگر فرموده‌اند: ...

همه اینها بشارتهایی است که در ضمن تبیین

گی‌های دوران پس از ظهور، بیانگر آرمانها و

هال‌های پیشوایان دین در تحقق جامعه‌ای

بروحی و ولایت است.

این نویدهای امید آفرین نشان می‌دهند که

میر بزرگوار اسلام و امامان معصوم علیهم‌السلام در پس

رنج و تلاش و شکیبایی و مبارزه خویش،

مردم چه می‌خواسته‌اند و در جستجوی چه

قعیت‌هایی بوده‌اند.

مگر نه این است که مهدی علیه‌السلام تحقق بخش

اف همه انبیاء و اولیای الهی و عمل کننده

خواسته‌ها و وعده‌های خدا و پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم

پس منتظران مهدی علیه‌السلام نیز هر چه توان

رند در همین راستا به کار می‌گیرند.

۱ - بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۲۸ و مستخب الاثر، ص ۴۹۷.



«حاکمیت توحید در گیتی»، «جهانی شد  
 آیین بندگی خدا»، «غلبه دین اسلام»  
 «پاکسازی دنیا از ستم و بی عدالتی»، «برپا  
 میزان عدالت»، «زبونی مستکبران و نابود  
 شیطان صفتان»، «فراگیر شدن حکمت و دانش  
 دینی»، «برادری و یکرنگی عمومی»، «ر  
 همگانی و برطرف شدن کینه‌ها»، «دوری از گنا  
 و معصیت» و دهها عنوان دیگر که در صد  
 حدیث مشابه آنچه قبلاً ذکر شد، عناوین  
 نیستند که فقط در دوران پس از ظهور مظلوبیت  
 محبوبیت داشته باشند و یا فقط امام زمان علیه السلام در  
 صدد عملی ساختن آنها بوده باشد، اینها  
 گمشده‌های یک جامعه آرمانگرای تشکیل شد  
 بر اساس «توحید» و «رسالت» و «امامت» است  
 یک منتظر واقعی، جستجوگر  
 گمشده‌هاست.

یک منتظر و یا حتی مجموعه منتظران اگر  
 قادر به ساختن چنین جامعه‌ای نباشند  
 نیستند، هرگز از این ایده‌ها و نویدها صرف

کنند و آسوده خاطر نسبت به هر چه در  
 معه می‌گذرد بی تفاوت نمی‌مانند، بلکه  
 آره چشم به همین هدفها می‌دوزند و از هر  
 در توان دارند نسبت به سوق دادن خود و  
 نواده و جامعه عصر غیبت به سمت این  
 هاله‌های می‌گذارند. نسبت به دور شدن خود  
 جامعه از این معیارها حساسیت به خرج  
 دهند و در برابر انحرافات بر می‌آشوبند و  
 زو شوری را که لازمه انتظار حقیقی است  
 ای مصلحت جویی‌ها و عافیت طلبی‌ها  
 کنند.



## ﴿ درجات انتظار ﴾

### روزه داران واقعی چگونه اند؟

شب زنده داران سحرخیزی که به نیت قرب الهی دست از خوردن و آشامیدن و بسیاری لذت های حلال دیگر کشیده اند، بندگان با اخلاصی که زبان و چشم و گوش و دست و حتی دلشان را در محدوده فرمان خدای تعالی از هر ناخوشایند اوست باز داشته اند، ایمان آوردگان صادقی که یاد محرومان مجال کامرانی از آنان گرفته و ذکر قیامت فرصت گناه و فرمانی را از ایشان سلب کرده است، از طلوع تا غروب خورشید چه حالی دارند؟ حال آن نیز همانگونه است! آنان در پیشگاه خدا اجری دارند؟ پاداش منتظران نیز همانند اجر نان است! (۱)

۱ - «ان المنتظر لهذا الامر له مثل اجر الصائم.»

### همنشینان امام زمان علیه السلام چگونه اند؟

سعادت‌مندی که توفیق دیدار یافته‌اند، امتحان شدگانی که لیاقت همنشینی با امام خویش را به اثبات رسانده‌اند، یاران با وفایی که به خاطر اوج ایمان و تقوی و ولایت‌شان شرافت حضور در خیمهٔ قائم علیه السلام را پیدا کرده‌اند، در کنار مولا و مراد خویش چه حالی دارند؟ حال منتظران نیز همانگونه است!

آنان چه آدابی را مراعات می‌کنند؟ در نشست و برخاست‌ها و در سکوت و سخن گفتن‌های‌شان چه مراقبت‌هایی دارند؟ آداب و سلوک منتظران نیز همانند آداب و سلوک آنان است! (۱)

۱ - قال الصادق علیه السلام : من مات منکم و هو منتظره لهذا الامر کمن هو مع القائم فی فسطاطه - ثم مکث هنیئاً - ثم قال: بل کمن قارع معه بسيفه . ثم قال: لا والله ، ليس الا کمن استشهد مع رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم . بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۲۶.

### جنگاوران رکاب مهدی علیه السلام چگونه اند؟

رزم آوران خدا جویی که به عنوان جنود الهی برگزیده شده اند، جهادگران پیروزی که پس از عمری مجاهده با شیطان و هوس در زمره یاوران سپاه ایزدی امام قائم علیه السلام در آمده اند، پیکارجویان افتخار آفرینی که شمشیر برکف در رکاب امام نور بر صف ظلمت زدگان سپاه شرک و کفر و ستم تاخته اند، در زیر پرچم سردار لشکر توحید چه حالی دارند؟ حال منتظران نیز همانگونه است!

حرکت و حمله و جنگ و جهادشان به فرمان امام مجاهدین چگونه است؟ تلاش و مبارزه منتظران نیز همانند تلاش و مبارزه آنان است<sup>(۱)</sup>!

### شاهدان شهید سپاه رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم چگونه اند؟

به خاک افتادگان مجروحی که در دفاع از

۱ - مدرک پیشین و نیز منتخب الاثر، ص ۴۹۵.

پیامبر ﷺ تا پای جان جنگیده‌اند، به خون غلطیده‌گانی که برای خدا و به عشق رسول خدا ﷺ از همه چیز و همه کس دست شسته و در آخرین لحظات حیات، چشم انتظار نگاه عطف و دست نوازش او، دیده به میانه میدان دوخته‌اند، مرغان شکسته بال و خونین‌پری که سر بر دامان پیامبر رحمت نهاده و با امداد از لبخند رضایت او، اجازه پرواز به باغ عطرآگین ملکوت یافته‌اند، چه حالی دارند؟ حال منتظران نیز همانگونه است!

ارزش آنان در تاریخ، اهمیت آنان در بقای دین، اعتبار آنان در نزد پیامبر ﷺ و اجر و مقام آنان در نزد خدا چقدر است؟ ارزش و اهمیت و اعتبار و اجر و مقام منتظران نیز همانند ارزش و اهمیت و اعتبار و اجر و مقام آنان است! (۱)

و اینگونه احادیث، خود بالاترین گواه بر میزان درجات منتظران است. درجاتی که از

۱- مدرک پیشین و نیز منتخب الاثر، ص ۴۹۸.

نی با درجات روزه‌داران شروع می‌شود و بی‌نهایت ادامه می‌یابد. بی‌نهایتی که تنها عندالله<sup>۱</sup> تحقق می‌یابد، فقط در نزد خدا عملی شود.

«أَحْيَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» (۱)

اگر چه در نگاهی عمیق‌تر همه درجات در بین در محدوده بی‌نهایت‌ها و خارج از درک و فهم ماست. زیرا در اولین درجه آنان نیز که مقام روزه‌داران است، خدا فرمود:

«الصَّوْمُ لِي وَأَنَا اجْزِي بِهِ» (۲)



۱ - سورة آل عمران، آیه ۱۶۹.

۲ - بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۱۲.

## ﴿ ویژگی‌های منتظرین ﴾

نخت امامت و امام :

چشم انتظاری جز بر پایه شناخت میسر  
ابتدا باید رهبری مبتنی بر وحی و  
را شناخت و به لزوم آن معتقد بود تا  
ان خود را برای استقرار و پذیرش آن آماده  
نخت . چنانکه ابتدا باید نسبت به رهبر  
م و امام منصوب از طرف خدا و پیامبر،  
فت پیدا کرد تا بتوان در دوران غیبتش به  
مید زمان ظهورش به اطاعتش برخواست . و  
ینگونه است که امام باقر علیه السلام این ویژگی را قبل  
ز انتظار بیان می فرماید:

«العارف منکم هذا الأمر المنتظر

له ..... کمن جاهد.»<sup>(۱)</sup>



«از میان شما هرکس که این امر

بشناسد و در انتظار آن باشد، بمنز

جهادگران است.»

و نیز از این روست که امام سجاد علیه السلام اعتقاد به

امامت را پیش از انتظار بیان می دارد:

«إِنَّ أَهْلَ زَمَانٍ غَيْبَتِهِ الْقَائِلُونَ

بِامَامَتِهِ، الْمُنْتَظِرُونَ لظُهُورِهِ، فَضِلْ

أَهْلَ كُلِّ زَمَانٍ»<sup>(۱)</sup>

«همانا مردم دوران غیبت امام

زمان علیه السلام که به امامت و پیشوائی او معتقد

باشند و در انتظار ظهورش بسر برند، برتر از

مردم هر دوران دیگرند.»

### پرهیزکاری :

معیار و اساس کرامت در اسلام چیزی جز

پرهیزکاری و دوری از گناه نیست.<sup>(۲)</sup>

پس اگر قرار باشد انتظار فرج و دیده به راه

۱ - بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۲۲.

۲ - ان اکرمکم عندالله اتقیکم. (پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم).

کمیت اسلام و قرآن دوختن، فضیلت و امت مؤمنین به شمار آید، هرگز خارج از مدار بی نمی تواند باشد. اجر و مقام منتظران اگر به جهادگران در رکاب پیامبر ﷺ و شهیدان ن فتاده در برابر او قرار می گیرد، به یقین درجه و پاداشی جز در سایه جهاد با نفس پیروزی بر شیطان درون و پرهیز از گناه و دست یافتنی نیست.

دامن آلودگان به خباثت گناه، اگر در فراق یار ظاهر، خون از دیده ببارند بازهم در شمار منتظرین نیستند.

آشنایان با لذتهای شیطانی و کامرانی های نفسانی، اگر در هجر یار عمری را ناله برآورند بازهم به ساحت یزدانی انتظار راه نمی یابند.

و بدین خاطر است که امام صادق علیه السلام دوری از گناه را همراه و همدوش انتظار شمرده است:

«اجتناب المحارم و انتظار الفرج»<sup>(۱)</sup>

۱ - شیخ صدوق، خصال، ج ۲، ص ۷۹.

و در جای دیگر انتظار و پرهیزکاری را در کنار هم، شرط یاری امام زمان علیه السلام قرار داده است:

«من سرّ أن یکون من اصحاب القائم  
فلینتظر و لیعمل بالورع و محاسن  
الاخلاق و هو منتظر.»<sup>(۱)</sup>

«هرکس شادمان می‌شود به اینکه از یاوران

حضرت قائم علیه السلام باشد، پس انتظار بورزد و

بر اساس تقوی و خوش خلقی رفتار نماید،

در حالیکه منتظر است.»

قابل دقت است که فرموده «پرهیزکار باشد»،

بلکه فرموده «بر اساس پرهیزکاری عمل کند».

پرهیزکاران منتظر اهل فرار از صحنه‌های

عمل و مسئولیت نیستند. به بهانه پرهیزکاری

راکد و ساکن نمی‌نشینند، بلکه پرسوز و پرتوان

مسئولیت می‌پذیرند و به میدان کار و

فعالیت‌های اجتماعی قدم می‌نهند، اما همواره

مواظب و مراقبند که مبادا در دام گناه گرفتار آیند

۱ - بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۴۰.

قدم در محدوده گناه و نارضایتی خداوند نهند.

فق شایسته:

منتظران امام زمان علیه السلام که او را مظهر کامل خلاق ربّانی و آئینه تمام نمای آداب الهی دانند، چگونه ممکن است اخلاقی زشت و ادابی ناپسند داشته باشند؟ آنان که امام منتظر خویش را همچون جدّ بزرگوارش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تکمیل کننده مکرمات های اخلاقی می شمارند و ظهور حکومت او را استمرار بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله در اوج بخشیدن به فضیلت های معنوی به شمار می آورند، چگونه است سریره و سیرتی رذیلانه داشته باشند؟

در حدیثی که اندکی پیشتر درباره همدوشی و همراهی انتظار و ورع ذکر شد، خوش خلقی نیز به عنوان عاملی تعیین کننده در کسب افتخار یاوری قائم علیه السلام به شمار آمده بود.

«آن کس که می خواهد در زمره اصحاب

حضرت مهدی علیه السلام در آید باید که منتظر

باشد و در عین منتظر بودن، بر اساس ورع

عمل نماید و دارای خلق و خوئی پسندیده

و نیکو باشد» (۱)

و نیز در همین مورد است کلام دیگر آن

بزرگوار که معاشرت نیکو و برخوردار خوب با

همسایگان را از ویژگیهای منتظران می شمارد:

«و انتظار الفرج بالصبر و حسن

الصحبه و حسن الجوار» (۲)

### نیکوکاری:

امام باقر علیه السلام می فرماید:

«المنتظر له المتحسب فيه الخير»

«کسی که دیده به راه اوست، نیکوکاری

خویش را به حساب او نهد» (۳)

چه مقارنت زیبایی بین این دو صفت وجود

دارد! انتظار و نیکوکاری به حساب منتظر!

۱ - همان مدرک ، همان حدیث.

۲ - بحار الأنوار، ج ۸۷، ص ۱۴۴.

۳ - بحار الأنوار، ج ۶۵، ص ۱۴۱.

آنکس که منتظر واقعی امام زمان علیه السلام است از او رنگ می‌گیرد و هم خود را فانی در او بیند! اگر به نیکوئی و نیکوکاری رو می‌کند، به بی‌انتظارش رو می‌کند و اگر عمل خیر و کار یسته‌ای از او سر می‌زند، آن را از خودش بیند، بلکه خودش را هم نمی‌بیند و هر چه ات در وجودش هست به سرچشمه نسبت دهد.

### ن‌پذیری:

امام صادق علیه السلام فرمود:

«طوبی لشیعۃ قائمنا المنتظرین  
لظهوره فی غیبه و المطیعین له  
فی الظهوره»<sup>(۱)</sup>

«خوشا به حال شیعیان قائم ما علیه السلام! که

در دوران غیبت او چشم انتظار ظهورش و

در دوران ظهورش سرنهاده به فرمانش

هستند.»

۱- بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۵۰.

«انتظار در غیبت» و «اطاعت در ظهور»  
 وصف دو گروه متمایز جدا از یکدیگر  
 بلکه هر دو صفت، بیانگر چگونگی وضع و حا  
 یک گروه است.

اطاعت کنندگان امام در ظهور، همانها  
 در غیبت انتظار کشندگان او بودند و پ  
 انتظاران امام در غیبت، همانانند که در  
 مطیع فرمانهای اویند.

اصلاً برای شیعیان حقیقی، فرقی بین  
 و ظهور امام زمان علیه السلام نیست. آنها حتی در  
 هم خود را در حضور می بینند. فرمانپذیری آنها  
 به گونه ای است که هر لحظه غیبت برای شان  
 منزله مقدمه ظهور است. آنگونه زندگی می  
 که هر زمان امام شان ظاهر گشت، آنان را گوش  
 فرمان ببیند و تا پای جان آماده اطاعت بیابد.

**قوت عقل و اندیشه و فزونی درک و دانش:**

امام زین العابدین علیه السلام در بیان علت برتر  
 مردمان زمان غیبت، نسبت به مردم سایر دوران  
 می فرماید:

«لَآنَ اللّٰهَ تَعَالٰی ذَكَرَهُ اَعْطَاهُمْ مِنْ  
العُقُولِ وَالْاَفْهَامِ وَالْمَعْرِفَةِ مَا صَارَتْ  
بِهِ الْغَيْبَةَ بِمَنْزِلَةِ الْمَشَاهِدَةِ»<sup>(۱)</sup>

«زیرا خدای تعالی آنقدر از عقل و  
اندیشه و دانش به آنان بخشیده که غیبت  
در نظر آنان به منزله مشاهده و حضور  
درآمده است.»

در این ویژگی چهار نکته قابل تأمل وجود  
د:

یکی اینکه این امتیاز به همه مردم در عصر  
داده نشده بلکه اختصاص به شیعیان  
است مهدی علیه السلام و منتظران او دارد، چنانکه  
م سجّاد علیه السلام تصریح می فرماید:

«القائلون بامامته المنتظرون»

الظهوره»<sup>(۲)</sup>

دیگر اینکه این قوّت و فزونی عقل و دانش،  
ابسته به عطای خداوند است. فیض و رحمت

۱- بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۲۲.

۲- مدرک پیشین.



اوست که چنین قدرت و رشدی را در اندیشه  
 فهم مردم ایجاد می‌کند. بنابراین باید پذیرفت  
 آنچه خارج از دایره فیض و عطای الهی است  
 عقل و معرفت به شمار نمی‌آید. اگرچه بیگانگان  
 آنرا جزو افتخارات فلسفه و علم خود به حساب  
 آورند. و یا حداقل باید قبول کرد که دانش  
 شیعیان تعریفی متمایز از تعریف علم و خرد  
 مادیگرانه اغیار، و محدوده‌ای به مراتب فراتر از  
 آن دارد.

سومین نکته اینکه عطای الهی هرگز به معنی  
 اشراقی معجزه آسا و بدور از اسباب نیست و  
 هیچ منافاتی با سعی و تلاش شیعیان منتظر در  
 راه کسب معارف و تقویت بنیانهای خود ندارد.  
 بلکه برعکس انگیزه‌ها کوشش بیشتر و پویایی  
 عمیق‌تر در این راه را تقویت می‌نماید، زیرا  
 عطای الهی همچون باران رحمتی است که اگر بر  
 زمین شخم زده و آماده، و بر بذرهای پاشیده و  
 آفت نزده نازل گردید ثمربخش و حیات آفرین و  
 پربرکت و اعجاب انگیز است.

چهارمین نکته اینکه ثمرهٔ چنین قدرت و شدی در عقل و دانش منتظران، یکسان دیدن و ظهور، و برخورد همگون بانهایی و ائی امام زمان علیه السلام است، که این خود سرفصل گسترده پیرامون کیفیت مسئولیت پذیری و انجام وظایف آنان به شمار می آید و مجالی وسیع تر می طلبد.

### لایت و برائت:

دوستِ دوست، دوست است و دشمنِ دوست، دشمن.

دوستِ دشمن، دشمن است و دشمنِ دشمن، دوست.

این قانون اگر چه قانونی مطلق نیست غالبیت دارد.

با اینهمه ولایت و دوستی نسبت به دوستان و موالیان امام زمان علیه السلام و عداوت و دشمنی نسبت به دشمنان و مخالفان او یک تکلیف است و از ویژگی های شیعیان و منتظران او به شمار می رود.

یک شیعه منتظر باید دوست مولایش را دوست بدارد، اگر چه دوست خودش به حساب نیاید.

و باید از دشمنِ امامش بیزارى جوید، اگر چه دشمن خودش محسوب نگردد.

یک منتظر حقیقی باید با بیگانه‌ترین اشخاص احساس دوستی کند، آنجا که او را در خط امام خود سر نهاده به فرمان او می‌بیند. و باید از آشناترین کسان حتی از پدر و برادر خویش دوری جوید و احساس تنفر نماید، آن زمان که او را در ستیز با امام خود و پیوسته با مخالفان او می‌یابد.

که اگر چنین شد افتخار رفاقت با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را درک می‌کند. چنانکه خود آن بزرگوار فرمود:

«طوبی لمن ادرك قائم اهل بیتی

و هو یأتم به فی غیبه قبل قیامه و

یتولی اولیائه و یعادى أعدائه ذاک

من رفقائی و ذوی موذتی و اکرم

أمتی علی یوم القیامه.» (۱)

«خوشا به حال آنکس که قائم اهل بیت  
 مرا درک نماید، در حالیکه قبل از قیام او در  
 زمان غیبتش پیرو او بوده و دوستانش را  
 دوست داشته و با دشمنانش به دشمنی  
 برخاسته باشد. چنین شخصی از رفیقان و  
 همراهان من و مورد محبت و مودت من است  
 و روز قیامت در زمره گرامی ترین افراد امت  
 من محشور می شود.»

### اخلاص:

اخلاص، کمال توحید است، رمز قبولی  
 طاعات است، وجه مشترک همه عبادات است،  
 راز در امان ماندن از وساوس شیطان است، کلید  
 نجات است، راه رهایی از زندان نفس و دام  
 شیطان و عذاب قیامت است، اخلاص خلاصه  
 دین است، روح انتظار است.

آنان که منتظران واقعی امام زمان علیه السلام و  
 شیفتگان صادق دیدار اویند، مخلصان حقیقی  
 درگاه خداوندند. از همین روست که

امام سجاده علیه السلام فرموده است:

«المنتظرون لظهوره ... اولئك

المخلصون حقاً و شيعتنا صدقاً.» (۱)

«آنان که منتظران ظهور او هستند ...

مخلصان حقیقی و شیعیان راستین ما

هستند.»

بدون اخلاص نمی توان سختی های دوره

غیبت را تحمل کرد، نمی توان در مقابل فتنه های

کمر شکن مقاومت کرد، نمی توان بر انتظار

پافشاری کرد.

امام باقر علیه السلام فرمود:

«يخرج بعد غيبة و حيرة لا يثبت فيها

على دينه إلا المخلصون المباشرون

لروح اليقين.» (۲)

«حضرت مهدی علیه السلام پس از غیبت و حیرتی ظهور

می کند که در آن جز مخلصین و دارندگان یقین

بر دین ثابت قدم نمی مانند.»

۱- بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۲۲.

۲- كشف الغمّة، ج ۳، ص ۳۱۱ و اعلام الوری، ص ۴۰۱.

به راستی اگر اخلاص نمی بود آنهمه جدّ و  
مبارزه و رویارویی با مرارت و محرومیت  
مظلومیت در راه انتظار، را به چه حسابی  
شد به جان پذیرفت؟

امام جواد علیه السلام در کلامی طولانی وقتی سخن  
ز انتظار به میان می آورد، از «منتظران» ظهور  
حضرت مهدی علیه السلام به تعبیر بلند و زیبای  
«مخلصین» یاد می فرماید:

«فینتظر خروجه المخلصون»<sup>(۱)</sup>

### «صبر و استقامت»

شبهه های تردید آفرین و مشکلات فراوان و  
فشارهای گوناگونی که از سوی مخالفین اسلام و  
ولایت بر شیعیان چشم انتظار وارد می آید و  
حیرت و بی پناهی آنان آنچنان طاقت فرسا و  
شکننده است که برای منحرف نشدن و ناامید  
نگشتن و از انتظار دست برنداشتن، استقامتی

۱- اعلام الوری، ص ۴۰۹ و الزام الناصب، ص ۶۸.

چون کوه و صبری همچون صبر ایوب بایسته  
است.

لغزیدن و از راه منحرف شدن، مأیوس گشتن  
و از صف منتظرین بیرون رفتن، از مبارزه دست  
کشیدن و به خیل بی تفاوتان پیوستن، بر ظهور  
دیده فرو بستن و به روز مرگی و نان به نرخ روز  
خوردن، سرنوشت محتوم غیر صابرین است.  
بی جهت نیست که رسول خدا ﷺ  
می فرماید:

«طوبی للصابرین فی غیبتہ! طوبی

للمقیمین فی محبّته!» (۱)

«خوشا به حال صبرکنندگان در دوران

غیبت مهدی علیه السلام! خوشا به حال پابرجایان

در مقام محبت او!»

و در جای دیگر دست به دعا برداشت و

عرض کرد:

پروردگارا برادرانم را به من بنمایان!

۱ - الزام الناصب، ص ۱۸، بتایع المودة، ج ۳، ص ۱۰۱.

یکی از یاران پیامبر ﷺ که در جمع حاضر  
دگفت: آیا ما برادران شما نیستیم ای رسول

؟!!

آن حضرت فرمود:

نه! شما اصحاب من هستید. و برادران من

قومی در آخر زمان هستند که به من ندیده

ایمان آورند...

و بعد چونانکه بخواهد سرّ اینهمه تکریم و

را بنمایاند از استقامت و صبرِ سختِ

آن فرمود:

«لأحدهم أشدّ بقية علي دينة من

خارط القتاد في الليلة الظلماء

أو كالقابض على جمر الغضا أولئك

مصابيح الدجى»<sup>(۱)</sup>

سختی استقامت هر یک از آنان بر دین

خود، بیشتر از سختی کسی است که در

شبّی ظلمانی بخواهد بوته خاری را با دست

۱ - بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۲۴ و الزام الناصب، ص ۱۳۷.



خود از خار بپیراید، یا کسی که بخواهد  
ذغال گداخته سوزانی را در مشت نگهدارد  
آنان چراغهای فروزان شبهای ظلمانی اند.

### تبلیغ و دعوت :

تبلیغ پیام ولایت و دعوت به اطاعت خدا و  
پیامبر و امام، جلوۀ با شکوه انتظار منتظران  
است. آنکس که چشم انتظار دولت با شکوه امام  
زمان عجله اسلام است و به آمیزۀ نورانی دنیا، در  
پناه حاکمیت قرآن و دین چشم دوخته است،  
هرگز این همه را برای نجات شخص خویش  
نمی طلبد و تنها به فکر سعادت و بهروزی خود  
نیست، بلکه به نجات و رهایی همه انسانها، همه  
مستضعفین، همه گمراهان می اندیشد و به  
سعادت همه بندگان خدا دل بسته است. چنین  
کسی نه در دوران و نه در زمان ظهور نمی تواند  
نسبت به دعوت و تبلیغ دیگران بی تفاوت باشد.  
در دوره غیبت هر جا گمراهی را می بیند و  
معصیت کاری را مشاهده می کند می سوزد و در

راستای هدایت او هر چه از دستش برآید انجام می‌دهد. او نه تنها آلودگی و گمراهی مردم را تاب نمی‌آورد بلکه بر کم‌توجهی آنان به ساخت مقدّس مولایش نیز آزرده خاطر و ناراحت می‌شود:

در دعای ندبه می‌خواند:

«عزیز عَلَيَّ أَنْ أَبْكَيكَ وَ يَخْذَلْكَ

الوَرَى.»

«مولای من ... بر من دشوار است که بر تو

بگیریم اما دیگران تو را وا نهند و در فراق

احساس تأثر و اندوه نکنند.»

منتظران امام زمان علیه السلام در دوره غیبت نه تنها از گروه بی تفاوت‌ها و گوشه‌نشین‌ها نیستند و بر رفتار گناه آلوده بندگان خدا و انحرافات جامعه خود بی خیال و بی احساس نمی‌گذرند، بلکه شب و روز در تلاش هدایت و دعوت دیگران به سر می‌برند و در پیدا و پنهان به کار تبلیغ فرهنگ ولایت و انتظار به بی‌خبران و غفلت زدگان اشتغال دارند.

امام سجاد علیه السلام می فرماید:

«المنتظرون لظهوره ... الدعاء الى

دين الله سرّاً و جهراً» (۱)

«منتظران ظهور مهدی علیه السلام ... در پیدا و

پنهان دعوت کنندگان به دین خدایند»

### آمادگی و آماده سازی:

اینکه زمان ظهور و پایان یافتن غیبت حضرت مهدی علیه السلام از امور غیبی شمرده شده، و اینکه خداوند امر فرج او را بناگهان در یک شب امضاء خواهد فرمود، و اینکه ما را در هر صبح و شام به انتظار فرج فرمان داده‌اند، همگی برای حفظ آمادگی همیشگی در جهت پاسخگویی به ندای یاری خواهی آن امام بزرگوار می‌تواند باشد.

شیعه‌ای که می‌خواهد از جمله یاران امام خویش باشد، منتظری که می‌خواهد در زمره رزمندگان رکاب مولای خود به حساب آید،

رزمنده‌ای که می‌خواهد، محض ورود فرمانده،  
 دو شادوش او و پای پای او در فتح همه کاههای  
 ستم و افراختن پرچم اسلام بر فراز همه بامهای  
 جهان سهیم باشد، هرگز بدون آمادگی سر بر  
 بستر استراحت نمی‌گذرد. چنین کسی حتی اگر  
 می‌خواهد سلاح آماده خویش را در زیر متنگای  
 خود حفظ می‌کند.

﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ﴾ (۱)

برای رویارویی با کافران و مستکبران هر چه  
 توانایی دارید تجهیزات فراهم آورید و سلاح  
 آماده کنید.

چنین کسی نه فقط همواره خود را آماده نگه  
 می‌دارد بلکه دیگران را نیز برای آماده شدن بر  
 می‌انگیزاند.

او نه فقط خود نیرومند و مسلح است، بلکه  
 دیگران را هم به نیرومند شدن و مسلح گشتن  
 ترغیب می‌کند، زیرا خود این آماده‌سازی

دیگران و نیرومند و مسلح ساختن آنان نیز در راستای یاری رساندن به مولای غایب از نظر است، و منتظرِ یاور، همیشه آماده برای یاری است.

«و نُصِرْتِي مُعَدَّةً لَكُمْ» (۱)

«یاری من آماده برای شماست.»



## ﴿گمشدگان منتظر﴾

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در روایتی شگفت  
فرماید:

«بر خدا سزاوار است که اهل ضلالت را به  
بهشت وارد سازد؟»

«حقیقاً علی الله أن یدخل أهل  
الضلال الجنة.»<sup>(۱)</sup>

لت و بهشت؟؟ آیا پذیرفتنی است؟

این غرابت شاید در همان دوران هم همه را  
شگفتی کشانده باشد. و شاید از همین روست  
امیرالمؤمنین علیه السلام برادر و یار همیشگی  
پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم سخن او را تبیین و تفسیر می کند:

«پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با این تعبیر ایمان

۱- بحار، ج ۵۲، ص ۱۴۳ به نقل از تفسیر نعمانی.

آوردگانی را قصد فرمود که در زمان فتنه  
پیروی از امام غائب خویش به پا خیزد  
امامی که جایگاهش پنهان و وجود نازیب  
پوشیده از همه دیدگان است.

آنان به پیشوایی او اقرار دارند و  
ریسمان ولایت او چنگ زده و چشم انتظا  
ظهور او هستند. یقین می‌ورزند، تردید  
ندارند، صابر و شکیبا، و تسلیم فرمانهای ا  
هستند.

ضلالت آنها تنها به این معناست  
نسبت به جایگاه امامشان و شناسا  
شخص پیشوایشان گم شده به حسا  
می‌آیند» (۱)

پس این «گمشدگی» است نه «گمراهی»! و این  
«گمشدگی» ماست نه «گمشدگی امام»! از  
گمشدگی را به تعبیری دیگر می‌توان سرگشته  
نامید.

و زیباست تعبیر مولا که فرمود:

«در زمان فتنه به پیروی از امام بر

می خیزند.» (۱)

گمشده نمی نشیند، گمشده احساس آرامش

نمی کند، گمشده از جستجوی راه دست

نمی کشد، گمشده منتظر در طلب امامش، در

تکاپوی یافتن مولایش، سرگشته و سرگردان

است.

پس یکی از ویژگیهای منتظرین را همین

سرگشتگی و سرگردانی و احساس گمشدگی

توان دانست.



۱ - «الذین قاموا فی زمن الفتنه علی الاتمام بالامام الخفی المکان.»

«آنانکه در زمان فتنه به پیروی از امام غائب علیه السلام بر می خیزند.»

(مدارک پیشین، همان حدیث)



## ﴿ انتظار همیشگی ﴾

انتظار، وقت نمی شناسد، صبح و شام  
نمی شناسد، گاه و بیگاه نمی شناسد. انتظار سوز  
شوقی است که به جان می افتد، شعله عشقی  
است که در دل می گیرد، تا جان به تن منتظران  
است و تا دلشان می طپد، انتظارشان می سوزاند  
و گرما می بخشد.

در خانه اند یا در کوچه و بازار، در بسترند یا  
در کشاکش کار، در تنهایی یا در اجتماع، در  
آسانی یا در سختی، در سلامت یا در مریضی، در  
وطن یا سفر، در هر زمان، در هر جا، و در هر  
حال، فکر و ذکر منتظران مشغول به یار مورد  
انتظار است. اصلاً بنده مؤمن خدا، در دوران  
غیبت امامش، لحظه ای را بی انتظار نمی گذراند:  
«انّ احبّ الاعمال الی الله عزّوجلّ

انتظار الفرج و مادام علیه العبد  
المؤمن.»

«محبوب‌ترین کارها در نزد خدای عزوجل  
انتظار فرج است و بنده مؤمن همواره در  
حال انتظار به سر می‌برد.»<sup>(۱)</sup>

و امام صادق علیه السلام فرمود:

«انتظر الفرج صباحاً و مساءً.»

«در هر صبح و شام منتظر فرج باش!»

این فرمان امام به انتظار، از نگاهی دیگر  
نوعی خبردادن از نامعلومی زمان فرج است، به  
عبارت دیگر شاید مقصود این باشد که  
صبحگاهان منتظر فرج باش، زیرا چه بسا تا  
شامگاهان فرج فرا برسد؛ و شامگاهان منتظر  
فرج باش، زیرا چه بسا تا صبحگاه بعدی ظهور  
امضاء گردد.



## ﴿ گنج انتظار ﴾

در بین قصه‌های کهن ایرانی، قصه پیرمردی را می‌خوانیم که وقتی مرگ خویش را نزدیک می‌یابد، پسرانش را فرا می‌خواند و سخن از گنجی بزرگ به میان می‌آورد که در مزرعه مدفون است. او بدون آنکه مکان دقیق نهانی گنج را به آنان بگوید چشم از دنیا فرو می‌بندد.

فرزندان او در طلب گنج سرتاسر زمین مزرعه را می‌کاوند و در پایان ناامید از پیدا کردن گنج، بر زمین زیر و رو شده و به خوبی شخم خورده، بذر می‌پاشند. چند ماهی بعد، زمانی که انبوه چشم‌نواز گیاهان روئیده از خاک خوب و آماده، به بار می‌نشینند و محصولی سرشار و ثروتمند فراوان به ارمغان می‌آورند، راز گنج مزرعه گشوده می‌شود و عاقبت اندیشی پیرمرد حکیم

بر فرزندان آشکار می‌گردد.

**انتظار** را از آن رو که خود کندوکاوی  
 جهادگرانه است و از آن جهت که حرکت و تلاش  
 و مقاومت و صبر را به همراه دارد، می‌توان به  
 جستجوی بی‌امان فرزندان در طلب گنج موعود  
 پیرمرد شبیه دانست. با این تفاوت که گنج  
 موعود انتظار، خود نیز حقیقتی تردید ناپذیر  
 است.

انتظار دوران با شکوه امام زمان علیه السلام تنها  
 بهانه‌ای برای حرکت پیگیر منتظران نیست، بلکه  
 خود نیز براستی گنجی واقعی است، گنجی که  
 پربهاتر از آن در سرتاسر آفرینش وجود ندارد.

**انتظار امام زمان علیه السلام یعنی انتظار خلاصه  
 همه خوبیهای خلقت.**

و انتظار دوران امام زمان علیه السلام یعنی انتظار  
 عصاره همه تاریخ سراسر نور و هدایت پیامبران.  
 اگر انتظار کشیدی و به مقصود رسیدی، او را  
 دیدی، کلام جانبخشش را شنیدی، دست  
 عنایتش را بر سرت احساس نمودی، در سایه

حکومتش حکومت توحید و عدالت و انسانیت  
را تجربه کردی، و در دوران خلافتش، خلیفه  
اللّٰهی انسان را مجسم یافتی، کامیاب خواهی  
بود.

و اگر انتظار کشیدی و به مقصود نرسیدی، او  
را ندیده مُردی، و طعم عدالت موعود را  
نچشیده و عدهٔ حق را اجابت کردی، باز هم  
کامیاب خواهی بود؛ زیرا انتظار فرج خود از  
بالاترین مصادیق فرج و گشایش است.

«انتظار الفرّج من اعظم الفرّج»<sup>(۱)</sup>



## ﴿ روبه روی یار ﴾

دو نفر که به هم پشت کرده‌اند هر چه پیشتر  
وند و هر چه بیشتر زمان بگذرد از هم دورتر  
شوند. حال اگر یک نفر ایستاد یا برگشت برای  
هم رسیدن آن دو کافی نیست، مگر آنکه وقتی  
گشت آنقدر سریع حرکت کند که بتواند راه  
فته خویش و مسافت طی شده توسط دیگری را  
... ان کند.

اما اگر هر دو روبه هم برگشتند دیری  
پاید که دوباره به هم می‌رسند.  
بیاید تا مواظب باشیم پشت به یار موعود  
نکنیم و در راهی خلاف راه او حرکت ننماییم.  
بیاید مراقب باشیم که اگر خود از او روی  
گردانده‌ایم لااقل آنقدر به فساد و تباهی کشیده  
نشویم که او هم از ما روی بگرداند.

اما - اگر خدا نکند - روزی چنین نیز شد، مبادا  
 که ناامید شویم، مبادا که غفلتمان ادامه پیدا کند!  
 بیایید در آن حال هم باز به سوی او برگردیم و از  
 همه قوای خود از همه استعدادهای خود، از  
 همه بود و نبود و دار و ندار خود، مایه بگذاریم و  
 از هر کس و از هر وسیله ممکن مدد بگیریم و  
 فاصله فراق را جبران کنیم.

اصلاً بیایید کاری کنیم که همیشه رو به او  
 داشته باشیم، کاری کنیم که هرگز او روی از ما  
 نتابد و ما از او روی نتابیم.

آخر مگر نه این است که در یکی از همین  
 فرداها او خواهد آمد و ما را به یاری خواهد  
 طلبید؟ اگر رو به او نداشته باشیم، اگر از او فاصله  
 گرفته باشیم، اگر صدایش را نشنویم، یا اگر  
 اینهمه دوری معنوی ما را در جبهه مخالفین او  
 قرار داده باشد، چه باید بکنیم؟ چگونه باید  
 سیاه‌روزی و نگون بختی خود ساخته را، جبران  
 کنیم؟

در آنروز درد و داغ و حسرت مان چه سودی  
می بخشند و ابراز باور و ایمان مان چه نفعی دارد؟  
«امام صادق علیه السلام درباره آیه:

﴿يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ  
نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ  
كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا﴾ (۱)

فرمود:

«الآيات هم الأئمة و الآية المنتظر  
القائم عليه السلام فيومئذ لا ينفع نفساً إيمانها لم  
تكن آمنت به قبل قيامه بالسيف، و إن  
آمنت بمن تقدمه من آبائه عليهم السلام» (۲)

«روزی که برخی آیات پروردگارت ظاهر  
گردد، کسی که از قبل ایمان نیاورده است یا در  
ایمان خود خوبی و خیراتی بدست نیاورده باشد،  
ایمان آوردنش سود نمی بخشند. آیات همان  
ائمه عليهم السلام هستند و آیه مورد انتظار، حضرت  
قائم عليه السلام است. پس در آنروز کسی که قبل از

۱ - سورة انعام، آیه ۱۵۸.

۲ - کمال الدین، ج ۲، ص ۳۳۶.



ظهور با شمشیر به او ایمان نیاورده باشد، ایمان

آوردنش نفعی نمی‌رساند، اگر چه به همه امامان

پیش از او ایمان داشته باشد.»



## ﴿ انتظار و دعا ﴾

دعا کردن خواستنی ساده نیست، طلب نمودنی معمولی نیست، بلکه ایمان به خدا و قدرت مطلق اوست، باور داشت سبب‌سازی و سبب‌سوزی اوست، جهت بخشی به خواسته‌هاست، نوعی تطبیق دادن یا در خواست مطابقت بین مطلوبات مورد نیاز بشر، با اراده و مشیت خداست.

و بدین سان در دعا برای فرج، تنها به الفاظی حاکی از نیاز به گشایش و جمالاتی با مفهوم در خواست تعجیل ظهور، اکتفاء نمی‌شود، بلکه چنین دعایی با ایمان به خدا و اعتراف به توانایی‌های بی‌نهایت او و عشق به حاکمیت اراده او و جهت‌گیری به سمت توحید و عدالت و حرکت در مسیر تحقق خواسته‌های الهی

و کوشش در راه نزدیک ساختن ایده‌های خویش  
به نویدهای دوران پس از ظهور همراه است.

چون چنین است، دعا برای فرج از مصادیق  
انتظار است. بلکه بالاتر از این، دعا کننده منتظر از  
زمره خاصان به شمار می‌آید، چنانکه فرموده‌اند:

«هرکس بر بلا شکیباً باشد و به وسیله دعا

چشم انتظار فرج از سوی خدا باشد، از

خاصان محسوب می‌شود.» (۱)

و چون چنین است، دعا برای فرج در کلام  
معصومین علیهم‌السلام ملازم و همراه با انتظار فرج ذکر  
می‌شود، چنانکه راوی گوید: در نزد امام علیه‌السلام  
سخن از غیبت مهدی علیه‌السلام پیش آمد، پرسیدم:  
شیعیان شما در آن زمان چه کنند؟ فرمود:

«علیکم بالدعاء و انتظار الفرج.»

«بر شما باد که دعا کنید و منتظر فرج

باشید.» (۲)

و نیز از این روست که حضرت مهدی علیه‌السلام

۱ - بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۶۹، روایت ۲۳ باب ۵۰.

۲ - مهج الدعوات، ص ۴۱۴ و بحار، ج ۹۲، ص ۳۳۶.

در توقیع شریف خویش مردم را نه فقط به دعا کردن، بلکه به زیاد دعا نمودن برای تعجیل فرج، سفارش می فرماید و همین دعا کردن را فرج و گشایش مسلمین می شمارد:

«اکثروا الدّعاء بتعجیل الفرج فانّ ذلك

فرجکم.» (۱)

و بهمین خاطر است که امام رضا علیه السلام به دعا کردن برای حضرت صاحب الزّمان علیه السلام فرمان می داد:

«عن یونس بن عبدالرحمان: أنّ

الرّضا علیه السلام کان یأمر بالدّعاء لصاحب

الامر علیه السلام.» (۲)



۱ - کمال الدین، ج ۲، ص ۴۸۵.

۲ - بخاری، ج ۹۲، ص ۳۳۰.

## ﴿ منتظر و منتظر ﴾

نه چنان است که خلقی چشم انتظار ظهور حضرت مهدی علیه السلام و عملی گشتن وعده‌های الهی به دست او باشند ولی او خود بی خبر از اینهمه اشتیاق، رها از هر دغدغه‌ای، گوشه‌آسایشی برای خویش گزیده و نسبت به درد و رنج و شکنج شیعه و یارانش بی تفاوت و بی احساس، روزگار غیبت را سپری سازد!

او علاوه بر آنکه از اوضاع و احوال منتظرانش آگاه است. <sup>(۱)</sup> و در مراعات حال آنان کوتاهی نمی‌کند و یادشان را از خاطر نمی‌برد <sup>(۲)</sup>، خود نیز در حالت انتظار به سر می‌برد.

۱ - «أنا يحيط علمنا بأنبائكم ولا يعزب عنا شيء من أخباركم».

بخار، ج ۵۳، ص ۱۷۵.

۲ - مدرک پیشین.

او چشم انتظار اذن خداست<sup>(۱)</sup>، تا از پرده غیبت بدر آید و خورشید جمال خویش را بی هیچ حجابی به جهانیان در ظلمت نشسته بنمایاند.

او چشم انتظار فرمان پروردگار است<sup>(۲)</sup> تا با سلاح عقل و علم و عطوفت - و نه با شمشیر فقط - همه دلها را مسخر خویش گرداند و همه سرزمینها را به زیر سلطه دین و عدالت در آورد.

او چشم انتظار آسایش دوستان و موالیان خداست.<sup>(۳)</sup> تا در سایه حکومت توحیدی او از رنج انتظار بیاسایند و از فتنه‌های دوران غیبت رهایی یابند و با استمداد از علم و عدالت او قلّه‌های کمال را یکی پس از دیگری در نور دهند.

---

۱ - خدایا بر مهدی علیه السلام درود فرست که قیام کننده به امر تو و نهان شده در میان خلق تو و منتظران اذن توست (و المنتظر لاذنک)، بحار، ج ۹۹، ص ۱۰۲.

۲ - «اللهم صلّ علی ولیک المنتظر أمرک» خدایا بر ولّیت که منتظر

فرمان توست درود فرست (بحار، ج ۹۱، ص ۱۷).

۳ - خداوندا بر ولّیت امام زمان علیه السلام که منتظر فرج و آسایش

اولیای توست درود فرست (مدرک پیشین).

همین چشم انتظاری‌های امام زمان علیه السلام است  
 که نیمه شب‌ها خواب را از چشمان مبارکش  
 می‌گیرد و اشک سوزانش را برگونه‌های مقدّسش  
 جاری می‌سازد و ناله و ندبه‌اش را باعث  
 می‌گردد.

«اللّهُمَّ طَالَ الْاِنْتِظَارُ، وَشَمْتُ بِنَا

الْفَجَّارِ، وَصَعِبَ عَلَيْنَا الْاِنْتِصَارُ.»<sup>(۱)</sup>

«بار خدایا! انتظار طولانی شد و مورد

نکوهش کافران قرار گرفتیم و یاری نمودن

ما یکدیگر را، مشکل گردید.»



### ﴿ شعر انتظار ﴾

بسیاری از شاعران شیعی از دیر باز، عشق و شور و شیدایی و سرگشتگی و چشم‌انتظاری خود نسبت به ساحت مقدّس امام زمان علیه السلام را، در قالب اشعاری پرمایه و گرانسنگ، جاودانه ساخته‌اند، که بدون تردید در انگیزش انتظار توده‌های مختلف مردم در هر زمان تأثیری چشم‌گیر داشته است. اینک ما در ختام این نامهٔ انتظار، تنها به ذکر نمونه‌هایی چند از شعر معاصر، از شاعرانی پراحساس و درد آشنا که خواستگاه همگی آنها حوزه‌های مقدّس علمیه می‌باشد، اکتفا می‌کنیم. (۱)

ماندیم و ندیدیم به ناز آمدنت  
چون سرو سرافراز فراز آمدنت  
دل در خم کسوفهٔ شهادت ماندست

۱ - متن کامل اشعار برگزیده را در کتابهای «نافلهٔ باران»، «در هوای حرم» و «ناگهان بهار» مطالعه فرمائید.



یک عمر در انتظار باز آمدنت

(صادق رحمانی)



ز دستهای تو، گوئی بهار می‌روید

گل و شکوفه، هزاران هزار می‌روید

عبور ییاد تو از دل چه معجزه‌آسا بود

که از کویر دلم، چشمه‌سار می‌روید

چو سر به دار نهم، من به شوق دیدارت

ز باغ چشم، گل انتظار می‌روید

(زهرا رضوی)



ای نسیم سرخوش که از کرانه‌ها عبور میکنی

ای چکاوکی که کوچ تا به جلگه‌های دور می‌کنی

ای شهاب روشنی که از دیار آفتاب می‌رسی

این فضای قیرگونه را پر از طنین نور می‌کنی

آی ابر دلگرفته مهاجری که خاک تیره را

آشنای بارش شبانه بلور می‌کنی

ای ترنمی که پا به پای رودها و آبشارها

خلوت سواحل خموش را فضای شور می‌کنی

آی رهسپر! گر از دیار یار ما عبور می‌کنی  
 پرسشی نما بگو که ای بهار! کی ظهور می‌کنی  
 (محمد رضا ترکی)



بالنده می‌شود گل سرخ محمدی  
 وا کرده‌ایم پنجره‌های بهار را  
 تا خطبه‌ای فصیح بخوانم به نام حق  
 بر پا کنید منبر بشکوه دار را  
 مرد مصاف کیست تا زین نهد به پشت  
 این اسب غرقه خون شده بی سوار را  
 ای منتقم بیا که زمین در نظاره است  
 تا چند باید آه کشم انتظار را  
 (سید عبدالله حسینی)



کامی چو کویر خشک و سوزان دارم  
 دیرریست که آرزوی باران دارم  
 من راز عبور ابر را می‌دانم  
 سر می‌رسد انتظار، ایمان دارم  
 (عباس ساعی)



مرا به خلوت دلهای بیقرار ببر  
 مرا به غربت گلهای بی بهار ببر  
 مرا به دیده بی خواب مادری بی تاب  
 به لحظه‌های عطشناک انتظار ببر  
 مگو که خسته شدی از بهانه‌های دلم  
 مرا به سبزترین فصل روزگار ببر  
 (پروین غلامی)



کران شرق کمان خطر کشید ، بیا  
 کویر فتنه امان مرا برید ، بیا  
 در آسمان کبودم ، کران سبزی باش  
 بیا که قامت این کهکشان خمید ، بیا  
 به خون نشست هزاران دل تماشایی  
 هزار دیده به یاد تو آرمید بیا  
 (محمد تقوی)



کاشکی مردی بیاید حرفهای سینه را معنا کند  
 واژه واژه ، رمز خط کوفی آینه را معنا کند

بس که ماندم در حصار انتظاری تلخ، معلومم نشد  
 خوب من کی خواهد آمد، عصر آن آدینه را معنا کند  
 خواب سبزی دیده ام، انگار می آید سواری سبزپوش  
 شعله ور خشمی بدستش تا تب دیرینه را معنا کند  
 (علی پور حسن آستانه)



ای آخرین امید! در شام تار ما  
 ای روشنای عشق! ای غمگسار ما!  
 داغم به سینه ماند، در انتظار تو  
 از رهگذار شوق، این یادگار ما  
 تا روز واپسین، می ماند ای نسیم!  
 بر جاده ظهور، چشم مزار ما  
 روزی که می رسی، میبینی ای عزیز!  
 خون گریه های شوق، بر رهگذار ما  
 آغاز چشم تو، در انتهای شب  
 پایان روشنی است، در انتظار ما  
 (رضائی نیا)



- بهایی که انتشارات مسجد مقدس جمکران منتشر نموده است:

- در کربلا چه گذشت ۲۷ - مهدی موعود (عج)

- نجم الثاقب

- خزائن الأشعار جوهری (اشعار)

- خوشه های طلایی (اشعار)

- در جستجوی قائم علیه السلام (کتابنامه)

- یاد مهدی علیه السلام

- عقد الدرر

- کلیات مفاتیح الجنان

- منتخب المفاتیح

۱ - هدیة احمدیه

۱ - تاریخچه مسجد مقدس جمکران (به زبان فارسی)

۱ - تاریخچه مسجد مقدس جمکران (به زبان عربی)

- تاریخچه مسجد مقدس جمکران (به زبان اردو)

- تاریخچه مسجد مقدس جمکران (به زبان انگلیسی)

- زیارت ناحیه مقدسه

- کرامات المهدی علیه السلام

- در جستجوی نور

- آخرین خورشید پیدا

- فدک ذوالفقار فاطمه علیها السلام

- اعتکاف، تطهیر صحیفه اعمال

- امامت و غیبت از دیدگاه علم کلام

- غیبت، ظهور، امامت

- اهمیت اذان و اقامه و ...

- پرچمدار نینوا

- حضرت مهدی علیه السلام فروغ تابان ولایت

- از زلال ولایت (چهل حدیث از امام حسین علیه السلام)

### بسمه تبارک و تعالی

واحد تحقیقات مسجد مقدس جمکران آماده پاسخگویی به سوالات و مشکلات اخلاقی، تربیتی، اجتماعی، فقهی و اعتقادی شما عزیزان می باشد.

می توانید سوالات خود را به آدرس «قم - صندوق پستی ۶۱۷ - واحد تحقیقات فرهنگی مسجد مقدس جمکران» ارسال نمایید. شایان توجه است که مطالب و نامه های عزیزانی که با این صندوق پستی مکاتبه می نمایند، بمنزله اسرار ایشان بوده، و در و نگهداری آنها کاملاً دقت و مراقبت خواهد شد.

مسجد مقدس جمکران - قم  
واحد تحقیقات

### بسمه تبارک و تعالی

«به مردم بگو: به این مکان (مسجد مقدس جمکران) رغبت نمایند آن را عزیز دارند...».

از فرمایشات حضرت مهدی علیه السلام به حسن بن مثله جمکرانی



قابل توجه عاشقان و شیفتگان حضرت مهدی (عج) ارادتمندان به ساحت مقدس آن حضرت:

مسجد مقدس جمکران در رابطه با اجرای طرح جامع مسجد تأمین نیازمندیهای شما عزیزان نمازگزار، آماده هرگونه همکاری جذب کمکهای نقدی و غیر نقدی شما می باشد.

کمکهای نقدی خود را به حساب جاری ۳۱۳ بانک ملت -

مسجد مقدس جمکران - واریز نموده و رسید آن را به آدرس: صندوق پستی ۱۶۱ مسجد مقدس جمکران، ارسال نمایید.

مسجد مقدس جمکران - قم